۲

گلچین صدوق

محمد حسین صفاخواه



بسم الله الرحمن الرحیم

گلچین صدوق : حکایات و روایات برگزیده کتاب "من لا یحضره الفقیه" شیخ صدوق

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

فیض کاشانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گلچین صدوق: حکایات و روایات برگزیده کتاب من لا یحضره الفقیه جلد۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن بابویه، محمد بن علی ، ۳۱۱- ۳۸۱ق.

عنوان قراردادی : من لایحضر الفقیه. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : گلچین صدوق: حکایات و روایات برگزیده کتاب من لا یحضره الفقیه/ اثر صدوق؛ [گردآورنده و مترجم] محمدحسین صفاخواه.

مشخصات نشر : تهران: فیض کاشانی ، ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری : ۲ ج.

شابک : ۴۰۰۰ ریال : ج. ۱ : ۹۶۴-۴۰۳-۰۵۰-۸؛ ۴۰۰۰ ریال : ج. ۲ : ۹۶۴-۴۰۳-۰۴۹-۴

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ق.

شناسه افزوده : صفاخواه، محمدحسین، ۱۳۴۲ -

رده بندی کنگره : BP۱۲۹ /الف ۲م ۸۰۴۲۱۶ ۱۳۷۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۷-۱۲۱۹

[تقدیم نامه]

تقدیم به محضر مقدس آنکه حضرت ربّ الجلیل بر توصیفش رحمت جهانیان و انگیزش بعثتش را اتمام مکارم اخلاق بندگان و طریق زندگانیش را اسوه آدمیان بیان فرمود.

مربی تربیت یافته ربوبی حضرت خاتم النبیّین صلّی اللّه علیه و آله و سلم و أهل بیت پاکنهاد او صلوات اللّه و سلامه اجمعین و به یاد تمامی تربیت یافتگان بارگاه نور و به پاس بزرگداشت و قدر دانی بیش از نیم قرن تلاش مخلصانه و سعی خالصانه دو رادمرد فضیلت و شاگردان مکتب انسان ساز اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مصادیق روشن «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم» «مر مردمان را بغیر از زبانتان به راه خدا رهنمون باشید.» که شهد زندگانی را با عمل به قرآن کریم و گلخامه های

نور به کام جوانان شیرین آورند:

مرحوم استاد رضا روزبه که رحمت خدا بر او باد و استاد فرزانه حضرت حجه الإسلام و المسلمین میرزا علی اصغر کرباسچیان که عزّت او پایدار باد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶

بخش اول برگی از کتاب زندگی شیخ

صدوق

گفتار نما

افق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

«گلچین صدوق» گزیده ای تربیتی- اخلاقی- عقیدتی از کتاب

«من لا یحضره الفقیه» تالیف شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (متوفی ۳۸۱ هجری قمری) است. این کتاب، که یکی از کتب چهارگانه اصلی و محوری فقه شیعه است، مجموعه ای است نفیس که در عین اختصار، یک دوره کامل از احکام دین بر مبنای مکتب اهل بیت علیهم السلام ارائه کرده است.

این یادگار ارزشمند صدوق، گوهری بی بها است که این عالم گرانقدر و مخلص، برای صیانت سنّت صحیح نبوی از دستخوش تحریف تحریفگران، به امّت اسلام بخشیده است.

«من لا یحضره الفقیه»، در عین حال که برای خواصّ، مجموعه ای فقهی است، نکته های اخلاقی، تربیتی، عقیدتی، تاریخی و درسهای زندگی فراوانی دربردارد، که آشنایی با آنها،

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴

برای عموم مردم ضرورت دارد.

از آنجا که این نکته ها و درسها و تذکّرها، در لابلای صفحات آن مجموعه پراکنده بود، «گلچین صدوق» به عنوان دسته گلی از میان این بوستان روح انگیز و معطّر فراهم آمد، تا عموم طبقات، به ویژه جوانان و نوجوانان را به کار آید. و چراغی فراراه زندگی آینده آنان روشن دارد.

تذکّر چند نکته در مورد کتاب، ضرورت دارد:

۱- احادیث، بر مبنای سازندگی تربیتی آنها برای زندگی عموم طبقات معاصر- به ویژه نسل جوان و آینده سازان این مرز و بوم- گزینش شده است.

به همین دلیل، از انتخاب احادیث مشکل یا مفصّل یا احادیثی که به توضیح نیاز دارد، خودداری شد.

۲- این کتاب، کتاب فتوایی شیخ صدوق بوده است. لذا در این گزینش دقّت شد تا از ورود به بیان احکام فقهی خودداری شود. و اگر هم اشاره به بیان حکم فقهی گردیده است. مبنی بر آن بوده که

مطابق با حکم فقهی فقهای معاصر باشد.

«رحم اللّه امرئ عرف قدره و لم یتعدّ طوره».

۳- برای حلّ مشکلات بعضی احادیث، به منابع فراوان مراجعه شده، که حاصل تمام این تلاشها، در ترجمه منعکس شده

است. به همین دلیل، ترجمه- با وجود توجّه دقیق به متن حدیث- با توضیحاتی همراه شده، که گاه در پرانتز و گاه در پاورقی بیان گردیده است.

۴- در ترجمه احادیث، دقّت شده تا ساده ترین زبان و بیان انتخاب گردد. به همین دلیل، هر حدیث، چند بار ترجمه شد، تا دقیق ترین و ساده ترین ترجمه، عرضه شود.

با این وجود، مدرک اصل حدیث (بر اساس متن کتاب «من لا یحضره الفقیه» تصحیح و تحقیق استاد محقق جناب آقای علی اکبر غفاری، چاپ جامعه مدرسین قم) بیان شد، تا خوانندگان پژوهنده و فاضل، در صورت ضرورت، به متن حدیث دست یابند.

همین جا، از این گروه خوانندگان انتظار می رود که چنانچه ترجمه ای دقیق تر و روان تر، برای احادیث یاد شده داشته باشند، از بیان نظرات خود دریغ ندارند.

۵- برای آشنایی خوانندگان با سیره اخلاقی بزرگان شیعه، گوشه ای از نکات آموزنده تربیتی، علمی، تاریخی از زندگانی شیخ صدوق، به عنوان بخش اوّل اضافه گردید.

۶- باید توجّه داشت که هدف مرحوم شیخ صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» ارائه یک مجموعه مختصر از فقه شیعه بوده است، نه بیان داستانهای انبیاء و ائمه علیهم السلام، چنانچه خود نیز در این کتاب به این نکته تصریح نموده است. لذا توقّع

داستان سرایی از این کتاب نمی توان داشت. طبیعتا این گزیده نیز داعیه قصّه

گویی ندارد. به همین دلیل، وفاداری به دقّت متن، فدای عناصر داستان پردازی گردید.

۷- همان گونه که در مقدمه کتاب «قطره ای از دریا» (گزیده الغدیر مرحوم علامه امینی) گزیده نگارنده، آمده است، یکی از اهداف این گزینش و نشر، آشنا ساختن نسل جوان با متون اصلی مکتب انسان ساز تشیع می باشد.

«گلچین صدوق» نیز، گامی دیگر در همین مسیر به حساب می آید.

امید است این مجموعه مورد قبول مربّی واقعی و امام و هادی امّت، امام زمان عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف واقع شود و تلاشگران و خوانندگان آن از دعای حضرتش بهره مند گردند.

و السلام علی عباد الله الصالحین تهران- محمد حسین صفاخواه میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها- ۱۴۱۸ آبان ماه- ۱۳۷۶

حکایات و روایات تربیتی برگزیده از کتاب من لا یحضره الفقیه

اشاره

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۷

۸۵ اهمیت ماه رمضان

ابو الورد گوید: امام ابو جعفر محمد باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم در آخرین جمعه ماه شعبان برای مردم خطبه خواند، و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود:

ای مردمان! به ماهی نزدیک شده اید که شبی در این ماه، واقع می گردد که از هزار شب برتر است، و آن ماه رمضان است.

خدا در این ایّام روزه اش را واجب ساخته است. و شبی را که در این ماه به عبادت بگذرانید، مانند هفتاد شب در ماههای دیگر قرار داده است.

برای کسی که در این ماه عملی از اعمال خیر و احسان را به قصد تقرّب الهی و نزدیکی به خداوند، به جا آورد، پاداشی مقرّر داشته، برابر با پاداش کسی که عمل واجب از واجبات خدای عزّ و جلّ را ادا کند.

کسی که در این ماه، عملی واجب از واجبات خدا را به جا آورد، مانند کسی است که هفتاد عمل واجب را در ماههای دیگر

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۸

به جای آورده باشد.

این ماه، ماه صبر است، و پاداش صبر، بهشت است.

این ماه، ماه مواسات و همدردی است.

این ماهی است که خدا، روزی مؤمنان را در آن می افزاید.

کسی که مؤمنی روزه دار را در این ماه افطار دهد، خدا به پاداش این کار، ثواب آزاد کردن بنده ای و آمرزش گناهان گذشته اش را، خواهد داد.

این ماهی است که اول آن رحمت، وسطش مغفرت، و پایانش اجابت دعا و آزادی از آتش دوزخ است.

در این ماه حاجتهای خود را از خدا بخواهید و بهشت و عافیت را

از او درخواست کنید، و از آتش دوزخ به او پناه برید «۱».

---

(۱) حدیث ۱۸۳۱، ج ۲، ص ۹۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۹

۸۶ توصیه امام صادق علیه السلام به فرزندانش

امام صادق علیه السلام در توصیه به فرزندانش فرمود:

هنگامی که ماه رمضان فرا می رسد، تا آخرین حدّ توان، کوشش کنید (واجبات و مستحبّات را انجام دهید و از مکروهات و اعمال حرام بپرهیزید). چرا که در آن ماه، ارزاق تقسیم می شود. و مدتهای عمر، مقرر می گردد.

در این ماه، نام حجّ کنندگان نوشته می شود.

در این ماه، شبی است (شب قدر) که انجام عمل خیری در آن شب، برابر با عمل در هزار ماه است «۱».

---

(۱) حدیث ۱۸۴۲، ج ۲، ص ۹۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۲۰

۸۷ ثواب روزه و افطار دادن

سدیر در ماه رمضان بر امام باقر علیه السلام وارد شد، امام علیه السلام به او فرمود:

ای سدیر! آیا می دانی که این شبها، چه شبهایی است؟

سدیر گفت: بلی، فدایت شوم، این شبها، ماه رمضان است، ولی منظور شما چیست؟

فرمود: آیا می توانی در هر شبی از این شبها، ده بنده را آزاد کنی؟

گفت: پدر و مادرم فدایت، مال من به این مقدار و این عمل نمی رسد.

امام باقر علیه السلام از شمار و تعداد بندگان می کاست تا به یک بنده رسید. و بالاخره فرمود:

می توانی در هر شبی، یک بنده را آزاد کنی؟

سدیر پاسخ داد که توانایی آن را ندارد.

حضرت فرمود: آیا توان آن را داری که در هر شبی، مرد

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۲۱

مسلمانی را به افطار فراخوانی؟

گفت: بلی، تا ده مرد را می توانم.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: منظور من همین بود، زیرا افطاری دادن به برادر مسلمان، با آزاد کردن بنده ای از اولاد اسماعیل علیه السلام برابری می کند «۱».

---

(۱) حدیث ۱۹۵۳، ج ۲، ص ۱۳۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲،

۸۸ امام سجاد علیه السلام و اطعام مردم

امام سجاد علیه السلام هنگامی که روزه می گرفت، می فرمود تا گوسفندی را ذبح کنند و اعضایش را قطعه قطعه نمایند و آن را می پختند. هنگام شامگاهان می فرمود:

کاسه ها را بیاورید، برای فلان خانواده و فلان خاندان غذا بکشید- تا همه دیگها خالی می شد.- آنگاه نان و خرمایی برای آن حضرت می آوردند و آن حضرت با همان نان و خرما، افطار می فرمود «۱».

---

(۱) حدیث ۱۹۵۵، ج ۲، ص ۱۳۴.

۸۹ کراهت سفر در ماه رمضان مگر به ناگزیر

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید:

مردی، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان به فکر مسافرت افتاده، نظر شما چیست؟

امام علیه السلام، سکوت کردند.

چند نوبت این سؤال تکرار شد.

آنگاه حضرت فرمودند: در ماه رمضان، مسافرت نکردن بهتر است، مگر آنکه حاجتی داشته باشد که در برآوردن آن، ناچار باشد مسافرت کند، و یا اینکه برای جلوگیری از تلف شدن اموال خود، به سفر رود «۱».

---

(۱) حدیث ۱۹۶۹، ج ۲، ص ۱۳۹.

۹۰ نزول قرآن

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رات در شب ششم ماه رمضان نازل گردید.

انجیل در شب دوازدهم نازل گردید.

زبور در شب هجدهم رمضان نازل شد.

قرآن در شب قدر فرود آمد «۱».

---

(۱) حدیث ۲۰۲۶، ج ۲، ص ۱۵۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۲۵

۹۱ پاداش دعا در حق برادر دینی

امام صادق علیه السلام فرمود:

زمانی که فردی، برادر دینی خود را در غیاب او، دعا کند، از عرش بر او ندا می رسد که:

«صد هزار برابر آنچه برای برادر خود خواستی، برای تو قرار خواهد گرفت.» و هنگامی که برای خود دعا کند، فقط پاداش یک دعا به او داده خواهد شد.

بنا بر این دعایی که صد هزار برابر آن ضمانت شده، بهتر از یک دعا خواهد بود «۱».

---

(۱) حدیث ۲۱۸۵، ج ۲، ص ۲۱۲.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۲۶

۹۲ شرایط مجاهدان راه خدا

شخصی «۱» در ایّام برگزاری حج، نزد امام سجاد علیه السلام رفت و به عنوان اعتراض به حضرت گفت:

چرا حج را بر جهاد ترجیح داده ای؟ در صورتی که خداوند در قرآن فرموده:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ. «۲» یعنی: همانا که خدا جانها و مالهای مؤمنین را به بهای

---

(۱) به دلیل روایت ثقه الاسلام کلینی و شیخ طوسی، این شخص، عبّاد بصری- از صوفیان روزگار خود- بود که به امامت اهل بیت علیهم السـلام بویژه امام زمان خود، یعنی حضـرت زین العابدین صلوات اللّه علیه عقیده نداشت. این سخن را نیز بر اساس عدم اعتقاد به حضرتش بیان داشته است.

(۲) توبه/ ۱۱۱.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۲۷

بهشت از ایشان خریداری می نماید.

امام سجاد علیه السلام در جواب فرمود: آیه بعدی را نیز بخوان.

گفت:

التَّائِبُونَ الْعابِدُونَ الْحامِدُونَ.- تا آخر آیه.

پس امام علیه السلام فرمود: جهاد در کنار این گروه اخیر، از حج گزاردن افضل است. «۱» و «۲»

---

(۱) در زمان حضرت سجاد علیه السلام، اکثر مردمان، به دنیا و مسایل دنیوی اشتغال داشته، و تعداد اندک

و انگشت شماری به عبادت و حمد خداوند مشغول بوده اند.

(۲) حدیث ۲۲۲۰، ج ۲، ص ۲۱۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۲۸

۹۳ انواع حاجیان

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

حاجیان سه گروهند:

۱- کسانی که تمام گناهانشان آمرزیده شده، و خدا آنان را از عذاب قبر حفظ می کند، این گروه پربهره ترین حاجیان هستند.

۲- کسانی که گناهان گذشته شان آمرزیده شده، و اعمال خود را از سر می گیرند.

۳- کسانی که (به شکرانه سفر حجّ) فقط خانواده و ثروتشان محفوظ می ماند. و حج آنان مقبول نیست «۱».

---

(۱) حدیث ۲۲۵۳، ج ۲، ص ۲۲۶.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۲۹

۹۴ إکرام حاجیان

امام سجاد علیه السلام فرمود:

ای کسانی که موفق به انجام حج نشده اید! زمانی که حاجیان از سفر حج بازگشتند، با روی باز و گشاده، به استقبال آنان بروید و آنان را در آغوش گیرید، دستشان را بفشارید و ایشان را تکریم و احترام کنید .... و با این عمل خود، در اعمال حاجیان شریک می شوید «۱».

---

(۱) حدیث ۲۲۶۴، ج ۲، ص ۲۲۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۰

۹۵ ذبح عظیم

شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:

در کجا حضرت ابراهیم علیه السلام قصد ذبح کردن فرزندش را داشت؟

حضرت فرمود:

در جمره وسطی. و زمانی که حضرت ابراهیم علیه السلام تصمیم گرفت تا پسرش را ذبح کند، جبرئیل علیه السلام کارد را گردانید و از جانب «ثبیر» «۱» یک قوچ «۲» به نزد حضرت ابراهیم علیه السلام فرستاد، و از سوی مسجد «خیف» به ابراهیم

---

(۱) نام کوهی است در مکّه.

(۲) این قوچ، قوچی بود با مشخصاتی مخصوص، که چهل سال در بهشت فربه شده بود.

این کلام را مرحوم شیخ صدوق به عنوان توضیح، پس از آوردن متن خبر، بیان نموده است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۱

علیه السلام ندا رسید که:

«ای ابراهیم! به راستی آن رؤیا را تحقق بخشیدی.

و این آزمایشی آشکار بود» «۱».

---

(۱) حدیث ۲۲۷۹، ج ۲، ص ۲۲۱.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۲

۹۶ پرده کعبه

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت آدم علیه السلام، اول کسی است که خانه کعبه را ساخت و اساس آن را بنا نهاد. «۱» و نخستین کسی است که، پرده ای موئین بر آن پوشانید. و نخستین کسی است که، عزم سفر به خانه کعبه را کرده و تبّع «۲»

---

(۱) در روایتی دیگر نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

در خانه کعبه، دو هزار سال قبل از حضرت آدم علیه السلام، اعمال حج برگزار می شده است.

(حدیث ۳۱۱۱، من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۱۹)

(۲) تبّع، شخصی بود که به علت بی احترامی به خانه کعبه دچار عارضه ای شدید شد و پس از استغفار مشکلش حل شد. بعد از آن پرده ای

چرمی به کعبه پوشاند.

(من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۸، ذیل حدیث ۲۳۲۴).

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۳

پرده ای از چرم بر آن پوشانید. و حضرت ابراهیم علیه السلام پرده ای ضخیم بر آن پوشانید. و نخستین کسی که جامه بر آن پوشاند، سلیمان بن داود علیه السلام بود که پرده ای از قماش قباطی بر کعبه پوشانید «۱».

---

(۱) حدیث ۲۲۸۶، ج ۲، ص ۲۳۵.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۴

۹۷ تغییر موضع مقام ابراهیم «علیه السلام»

زراره بن اعین از امام باقر علیه السلام پرسید:

آیا شما زمان امام حسین علیه السلام را درک کرده اید؟

امام علیه السلام فرمود: بلی «۱»، و من زمانی را به خاطر می آورم که با جدّم در مسجد الحرام بودم. در حالی که سیل داخل آنجا شد و مردم نگران جابجائی مقام ابراهیم بودند. امام حسین علیه السلام از یکی از حاضران پرسید:

این مردم، نگران چه هستند؟

آن شخص گفت: بیم دارند که مقام ابراهیم علیه السلام را سیل برده باشد.

امام علیه السلام فرمود: خداوند مقام ابراهیم را نشانه قرار داده، و از بین نمی رود. پس استوار باشید و نگرانی به خود

---

(۱) سن امام محمد باقر علیه السلام در زمان شهادت امام حسین علیه السلام چهار سال بوده است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۵

راه ندهید «۱».

و آن محلّ مقام، که ابراهیم علیه السلام آن را وضع کرده، نزدیک دیوار خانه کعبه بود. تا این که اهل جاهلیّت، جای آن را

تغییر دادند و پس از فتح مکّه، پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم، مقام ابراهیم را به جای اولش بازگرداند (نزدیک دیوار).

تا اینکه عمر به خلافت رسید

و از مردم پرسید:

کدام یک از شما جای مقام ابراهیم (قبل از جابجایی توسط پیامبر) را می داند؟

شخصی «۲» گفت:

من آن را قبلا اندازه گیری کرده ام و اکنون آن اندازه را دارم.

عمر اندازه آن را گرفت و مقام را به همان جا (که در عصر جاهلیّت بود) بازگرداند «۳».

---

(۱) از ظاهر عبارت مرحوم صدوق چنین بر می آید که: از این قسمت به بعد، بیان زراره بن اعین باشد که از بزرگان اصحاب و از خواص یاران امام باقر علیه السلام و رازدار حضرتش بوده است.

رضوان اللَّه تعالی علیه (اللَّه اعلم).

(۲) نام آن شخص را مطلب بن ابی وداعه سهمی قرشی، نگاشته اند.

(۳) حدیث ۲۳۰۸، ج ۲، ص ۲۴۳.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۶

۹۸ اصحاب فیل

«ابرهه» [حاکم ظالمی بود که به قصد از بین بردن بنیان خداپرستی]، قصد ویران کردن خانه کعبه را داشت و با اصحاب فیل (یاران او که بر فیل سوار بودند). به سوی خانه کعبه به راه افتاد، و بد آنجا حمله کرد.

در این هنگام، خداوند، پرندگانی را فوج فوج به سوی آنان فرستاد، تا سنگهایی از سجّیل به سوی آنان پرتاب کردند و آنان را تار و مار کردند. و اجساد آنها را به صورت علفهای جویده شده در آوردند «۱».

---

(۱) کلام صدوق، ذیل حدیث ۲۳۲۴، ج ۲، ص ۲۴۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۷

۹۹ مشایعت ابو ذر

زمانی که ابو ذر را تبعید کردند، امیر المؤمنین علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، عقیل بن ابی طالب، عبد اللَّه بن جعفر و عمار بن یاسر او را بدرقه کردند. امیر المؤمنین علیه السلام در هنگام بدرقه او فرمود:

با برادرتان ابو ذر وداع کنید، زیرا مسافر ناچار باید برود و مشایعت کننده ناگزیر است که بازگردد.

در این هنگام هر کدام از این افراد کلامی به ابو ذر گفتند.

امام حسین علیه السلام فرمود:

خدا تو را رحمت کند، ای ابو ذر! این قوم، قدر تو را ندانستند و از قدر و قیمت تو کاستند. چرا که تو دین خود را نفروختی، به این علّت، ایشان دنیای تو را گرفتند.

آنچه تو برای آنان نگاه داشتی (دین)، بسیار مورد نیاز آنان برای فرداست. و آنچه آنان از تو دریغ کردند (دنیا)، تو، سخت از آن بی نیازی.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۸

ابو ذر عرض کرد:

خدا رحمت خود را نصیب شما اهل بیت کند. که

من در دنیا نیازم فقط به شماست و هر زمان که شما را یاد کنم، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله را یاد کرده ام. «۱» و «۲»

---

(۱) مرحوم ثقه الاسلام کلینی در کتاب روضه کافی ص ۲۰۷- ۲۰۹، حدیث ۲۵۱، روایت فوق را به تفصیل بیشتری آورده و ضمن آن سخنان امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام، عقیل و عمار، و پاسخ ابو ذر به ایشان را به طور مبسوط آورده است. طالبان به اصل حدیث مراجعه نمایند.

(۲) حدیث ۲۴۲۸، ج ۲، ص ۲۷۵.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۳۹

۱۰۰ شرایط هم سفر شدن

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

زمانی که به صورت گروهی سفر می کنید، مبلغی را برای مخارج سفر در نظر بگیرید، و این مبلغ را به اشتراک و به صورت مساوی در اختیار یکی از همسفران قرار دهید، تا مبادا یکی از ایشان گمان کند مبلغی از دیگران صرف کرده است. و این عمل برای اخلاقتان بهتر و برای فکر و ذهنتان خوشایندتر است «۱».

---

(۱) حدیث ۲۴۳۹، ج ۲، ص ۲۷۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۰

۱۰۱ قاضیان

امام صادق علیه السلام فرمودند:

قاضیان چهار دسته اند:

۱- کسی که از روی علم، حکم به ستم می کند.

۲- کسی که از روی جهل، حکم به ستم می کند.

۳- کسی که از روی جهل و ناآگاهی حکم به حق می کند.

(نه بخاطر عمل به موازین اسلامی) که همه این سه گروه اهل دوزخند.

امّا گروه چهارم که اهل بهشت اند:

۴- کسی که از روی علم و بینش حکم به عدل می کند.

آنگاه امام علیه السلام فرمود:

داوری نیز دو قسم است:

۱- حکم کردن به حکم خداوند عزّ و جلّ.

۲- حکم کردن به حکم اهل جاهلیّت.

پس هر کس در حکم کردن به حکم خدا خطا کرد، به حکم کردن اهل جاهلیّت حکم کرده است «۱».

---

(۱) حدیث ۳۲۲۱، ج ۳، ص ۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۱

۱۰۲ نشستن نزد قاضی هنگام قضاوت

روزی محمد بن مسلم در کنار قاضی مدینه نشسته بود که امام محمد باقر علیه السلام از آنجا گذشت. فردای آن روز محمد بن مسلم نزد امام علیه السلام رفت و امام به او فرمود:

ای محمد! دیروز کجا نشسته بودی؟

او پاسخ داد: فدایت شوم، قاضی مدینه به من خیلی احترام می گذارد، گاهی نزد او می روم.

امام علیه السلام فرمود: چگونه مطمئنی که هر گاه (به خاطر احکام غلط و نابجای قاضی)، لعنت خدا که بر او نازل می شود، شامل تو نیز نگردد؟ «۱».

---

(۱) حدیث ۳۲۲۴، ج ۳، ص ۵.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۲

۱۰۳ عدالت در داوری

شخصی، در خانه امیر المؤمنین علیه السلام میهمان بود. پس از چند روز به امام علیه السلام عرض کرد:

با شخصی اختلاف دارم و اکنون برای داوری به اینجا آمده ام.

امام علیه السلام از او سؤال فرمود:

آیا تو یکی از طرفین دعوا هستی؟

پاسخ داد: آری.

امام علیه السلام فرمود:

(این سخن را باید از روز اول بیان می کردی و شکایتت را به من می گفتی.) پس از نزد من برو، زیرا رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود:

نباید یکی از طرفین دعوا میهمان قاضی باشد. مگر اینکه هر دو حضور داشته باشند «۱».

---

(۱) حدیث ۳۲۳۶، ج ۳، ص ۱۲.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۳

۱۰۴ شهادت دادن توّاب

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

در زمان علی علیه السلام، شخصی را برای شهادت دادن آوردند. او بخاطر جرمی که قبلا مرتکب شده بود، دست و پایش را قطع کرده بودند ولی بعد توبه کرده بود.

امام علیه السلام شهادت آن مرد را پذیرفتند چون توبه او مشهور بود و همه می دانستند که او توبه کرده است «۱».

---

(۱) حدیث ۳۳۰۸، ج ۳، ص ۵۱.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۴

۱۰۵ جرم شهادت دروغ

امير المؤمنين عليه السلام اگر شاهدى را مى ديد كه شهادت دروغ داده، اگر غريب بود به محل زندگى اش مى فرستاد. و اگر بازارى بود به محل كسبش مى فرستاد، و سپس دستور مى فرمود كه او را بگردانند و به عنوان شاهد دروغگو معرفى كنند. و بعد از چند روز او را زندانى مى كرد، و سپس رهايش مى نمود «۱».

---

(۱) حديث ۳۳۳، ج ۳، ص ۵۹.

- اين حديث را شيخ طوسى رحمه اللَّه در تهذيب ج ۲، ص ۸۵ با اختلاف مختصرى در الفاظ، با ذكر اسنادش از امام باقر عليه السلام آورده است.

گلچين صدوق (گزيده من لا يحضره الفقيه)، ج ۲، ص: ۴۵

۱۰۶ اولين شهادت دروغ

امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامى كه عايشه، به قصد جنگ جمل «۱» خارج شده بود، به همراه هفتاد تن به چاهى در سرزمين حوأب «۲» رسيدند. در اين موقع سگان پارس كردند. عايشه تصميم گرفت بازگردد و گفت:

از رسول خدا صلى اللَّه عليه و آله و سلم شنيدم به همسرانش مى فرمود:

يكى از شما (همسران پيامبر)، مورد پارس سگهاى حوأب واقع خواهيد شد. و اين هنگامى است كه قصد نبرد با على عليه السلام وصىّ من را خواهد داشت.

---

(۱) جنگ جمل، نبردى بود كه طلحه و زبير، لشكرى را به بهانه خونخواهى عثمان تهيه كرده و بر امير المؤمنين عليه السلام شوريدند، و فرمانده اين لشكر عايشه دختر ابو بكر بود.

(۲) سرزمينى نزديك بصره.

گلچين صدوق (گزيده من لا يحضره الفقيه)، ج ۲، ص: ۴۶

(در ادامه حديثى ديگر به اين مضمون آمده است:

زنهار! عايشه، تو اين عمل را نكنى كه در آتش خواهى بود).

پس آن هفتاد تن از همراهان او به دروغ شهادت دادند که اینجا ماء حوأب نیست.

و این اولین شهادت دروغ در اسلام بود «۱».

---

(۱) حدیث ۳۳۶۵، ج ۳، ص ۷۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۷

۱۰۷ مذمّت طالع بینی

عبد الملک بن اعین نزد امام صادق علیه السلام رفته و عرض کرد:

(یا ابن رسول اللَّه!) من به علم ستارگان و خرافات گرفتار شده ام. و هر موقع که قصد انجام دادن کاری را دارم؛ اگر در طالع نگاه کنم و طالع شرّ را ببینم، از آن کار منصرف می شوم. و چون طالع خیر را ببینم، در پی آن عمل رفته و آن را [با جدیّت] انجام می دهم.

امام علیه السلام فرمود: بر اساس طالع بینی قضاوت می کنی؟

عرض کرد: بلی.

حضرت فرمود: پس کتابهایت را (که در علم طالع بینی است) بسوزان! «۱»

---

(۱) حدیث ۲۴۰۲، ج ۲، ص ۲۶۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۸

۱۰۸ ذو الشهادتین

عماره بن خزیمه بن ثابت از عموی خود که یکی از اصحاب رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله بود، نقل کرد:

روزی پیغمبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم، از یک بیابانگرد اسبی خریداری کرد، ولی چون پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم پول آن اسب، همراهشان نبود، به سرعت رفت تا وجه آن را بیاورد.

مردم که نمی دانستند این اسب را پیامبر خریداری کرده، اطراف مرد بیابانگرد را گرفته و بر قیمت آن اضافه می کردند، تا اینکه رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم رسید.

مرد بیابانگرد رو به پیامبر کرد و گفت:

بیا و این اسب را بخر، و گر نه آن را خواهم فروخت.

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود:

من این اسب را از تو خریده ام و با تو معامله کرده ام. پس چرا قصد فروش آن را داری؟

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۴۹

بیابانگرد گفت: (برای گفته

خود) شاهد بیاور.

مسلمانان جمع شدند و به او گفتند: این رسول خداست و سخنی جز حق نمی گوید. ولی هیچ کدام از آنان شهادت نمی دادند.

تا اینکه خزیمه بن ثابت آمد و ماجرا را شنید و گفت:

من شهادت می دهم که تو این اسب را به رسول خدا فروخته ای.

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم به خزیمه فرمود:

از کجا شهادت دادی؟

خزیمه عرض کرد: یا رسول الله! از آن جهت شهادت دادم که شما را تصدیق کرده و می شناسم.

آنگاه پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم خزیمه را ذو الشهادتین نامید. و گواهی او را مانند گواهی دو شاهد قرار داد «۱».

---

(۱) حدیث ۳۴۲۷، ج ۳، ص ۱۰۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۰

۱۰۹ نهایت غلوّ کردن

امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که حضرت علی علیه السلام از جنگ جمل بر می گشت، هفتاد نفر از زطّی ها «۱» نزد امام آمده و سلام کردند و به زبان محلی خود با آن حضرت سخنانی گفتند.

حضرت فرمود: من، چنان نیستم که شما گفتید، من بنده خدا و مخلوق او هستم.

ولی آنها- که خدا لعنتشان کناد- باز حرف خودشان را زده و تأکید بر سخن خود داشتند. و می گفتند:

«تو خود خدا هستی».

حضرت فرمود: اگر از این عقیده و گفتار دست بر ندارید و توبه نکنید، شما را خواهم کشت. ولی باز هم نپذیرفتند.

امام علیه السلام دستور داد که چاههایی حفر کردند، و آنها

(۱) زطّی ها: عده ای از هندی های آن روزگار.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۱

را به هم از داخل متصل کردند. و زطّی ها را در آن چاهها قرار دادند و درون یک چاه را خالی گذاشته و

با هیزم پر کردند. و درهای چاهها را بستند.

آنگاه هیزم را روشن کردند. همه زطّی ها با دود خفه شده و هلاک گشتند «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۵۰، ج ۳، ص ۱۵۰.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۲

۱۱۰ بدون وضو از خانه بیرون نروید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس برای حاجت و نیازی، بدون وضو از خانه خارج شود، اگر حاجتش را به دست نیاورد، فقط خودش را ملامت کند «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۷۸، ج ۳، ص ۱۵۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۳

۱۱۱ قسم ناروا

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

وای بر تاجران امت من، بخاطر قسمهای ناروایی که می خورند.

و وای بر صنعت کاران امت من، که امروز و فردا می کنند و مردم را سر می دوانند «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۸۴، ج ۳، ص ۱۶۰.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۴

۱۱۲ کلام امام موسی کاظم علیه السلام در زراعت

علی بن ابی حمزه بطائنی، روزی از کنار مزرعه ای می گذشت. حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام را دید که مشغول به

کار کردن در مزرعه بودند و از پاهایشان عرق می ریخت. جلو رفت و عرض کرد:

یا ابن رسول اللّٰه! فدایت شوم، کارکنان و کارگران شما کجایند؟

فرمود: ای علی! کسانی که از من و پدرم بالاتر بودند، در زمین خود با دست خود کار می کردند.

عرض کرد: یا ابن رسول اللّٰه! چه کسانی؟

فرمود: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم، و امیر المؤمنین و همه پدرانم علیهم السلام.

این یکی از کارهای همه پیامبران و فرشتگان و بندگان صالح خداوند است «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۹۳، ج ۳، ص ۱۶۲.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۵

۱۱۳ نرم شدن آهن

امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند به داود پیغمبر علیه السلام وحی فرستاد که تو بنده خوبی هستی، به شرطی که از بیت المال مصرف شخصی نکنی. و کاری را با دست خودت انجام دهی و امرار معاش کنی.

داود علیه السلام سخت گریست.

خداوند عزّ و جلّ به آهن وحی کرد که در برابر داود نرم شود و آهن نرم شد «۱».

حضرت داود علیه السلام نیز، هر روز زرهی می ساخت و به هزار درهم می فروخت و از مصرف کردن بیت المال بی نیاز گشت «۲».

---

(۱) سوره سبا، آیه ۱۰: وَ أَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ. (ما آهن را برای داود نرم ساختیم).

(۲) حدیث ۳۵۹۴، ج ۳، ص ۱۶۲- ۱۶۳.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۶

۱۱۴ روزی حلال

روزی فضـل بن ابی قرّه به منزل امـام جعفر صادق علیه السـلام وارد می شود. امام علیه السـلام مشـغول کار و فعالیت در باغچه خودشان بودند. فضل عرض می کند:

فدایت شوم! اجازه دهید من و یا غلامان شما این کار را انجام دهیم.

امـام علیه السـلام فرمود: نه، من بایـد خودم انجام دهم چون دوست دارم، خداونـد مرا در حال کار ببینـد که روزی حلال را با زحمت به دست می آورم «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۹۵، ج ۳، ص ۱۶۳.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۷

۱۱۵ نشانه های اسراف

اصبغ بن نباته گوید:

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

شخص اسراف کار، سه نشانه دارد:

۱- آنچه در شأن او نیست، می خورد.

۲- آنچه در شأن او نیست و به کارش نمی آید، خریداری می کند.

۳- آنچه در شأن او نیست، می پوشد «۱».

---

(۱) حدیث ۳۶۲۴، ج ۳، ص ۱۶۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۸

۱۱۶ انفاق و اسراف

امام سجاد علیه السلام فرمود:

گاهی شخصی با اینکه مالش را در راه خدا انفاق می کند، اسراف کار است. (چون زیاده از حدّ، انفاق می کند) «۱».

---

(۱) حدیث ۳۶۲۳، ج ۳، ص ۱۶۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۵۹

۱۱۷ میانه روی در معیشت

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

هر کس میانه روی در معیشت کند، من ضامنم که تهیدست و نیازمند نشود «۱».

---

(۱) حدیث ۳۶۲۲، ج ۳، ص ۱۶۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۰

۱۱۸ تلاش معاش

رسول اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

کسی که برای امور خانواده خویش کوشش می کند تا از راه حلال معیشت آنان را تهیه کند، پاداشی همچون مجاهد در راه خدا دارد «۱».

---

(۱) حدیث ۳۶۳۱، ج ۳، ص ۱۶۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۱

۱۱۹ وجه اجیر شدن

عمّار ساباطی نزد امام صادق علیه السلام رفته و عرض کرد:

یا ابن رسول اللَّه! اگر کسی خودش کسب و کار داشته باشد، ولی درآمدش اندك باشد بهتر است؛ یا آنکه نزد کسی کار کند و با درآمد بیشتر اجیر او شود؟.

امام علیه السلام فرمود:

وجه اول بهتر است. چون مستقلا از خداوند طلب روزی می کند. ولی وقتی اجیر شد، روزی خود را محدود به همان کار مزد کرده است «۱».

---

(۱) حدیث ۳۶۵۶، ج ۳، ص ۱۷۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۲

۱۲۰ بخشش

حسن بن خنیس نزد امام صادق علیه السلام رفته و عرض کرد:

یا ابن رسول اللَّه! عبد الرحمن بن سیابه از شخصی طلب داشت و آن شخص فوت کرد. و اکنون به عبد الرحمن می گوییم از حقش درگذرد و به متوفی ببخشد، ولی قبول نمی کند.

امام علیه السلام فرمود: وای بر عبد الرحمن! مگر نمی داند که اگر ببخشد، به هر درهمی ده درهم عوض دارد.

و اگر نبخشد، در مقابل هر درهم، فقط یک درهم به دست او می رسد «۱».

---

(۱) حدیث ۳۷۱۲، ج ۳، ص ۱۸۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۳

۱۲۱ ربا

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

کسی که ربا می گیرد، و کسی که ربا می دهد، و شاهدان، و نویسنده قبض ربا، همه در گناه رباخواری شریکند «۱».

---

(۱) حدیث ۳۹۹۳، ج ۳، ص ۲۷۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۴

۱۲۲ گمشده

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

اگر انسان شـی ء گمشده ای را یافت، بهترین کار این است که آن را بر ندارد و متعرض آن نشود. و اگر همه مردم چنین کنند بی شک صاحبش می رسد و آن را برمی دارد. «۱»

---

(۱) حدیث ۴۰۶۴، ج ۳، ص ۲۹۷ و ۲۹۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۵

۱۲۳ هدیه

امام صادق علیه السلام فرمود:

به یک دیگر هدیه دهید، زیرا دوستی شما را افزایش می دهد.

و کینه را آرام آرام از دل بیرون می کند.

و بهترین هدیه، چیزی است که هنگام نیاز، به شما داده شود «۱».

---

(۱) حدیث ۴۰۶۷ و ۴۰۶۸ و ۴۰۶۹، ج ۳، ص ۲۹۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۶

۱۲۴ اقسام هدیه

امام صادق علیه السلام فرمود:

هدیه بر سه قسم است:

۱- هدیه، در عوض و پاداش.

۲- هدیه رشوه مانند.

۳- هدیه برای رضای خدای عزّ و جلّ (که بهترین نوع هدیه است) «۱».

(۱) حدیث ۴۰۷۷، ج ۳، ص ۳۰۰.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۷

۱۲۵ توقّع پاداش

اسحاق بن عمار نزد امام صادق علیه السلام رفته و عرض کرد:

یا ابن رسول اللّه! مردی فقیر، برای من هدیه ای آورده و توقع دارد چیزی در مقابل هدیه اش به او بدهم.

ولی من هدیه را گرفته و چیزی به او ندادم. آیا این هدیه بر من حلال است؟

امام فرمود: بله حلال است. ولی سعی کن در قبال هدیه او، پاداشی به او بدهی «۱».

---

(۱) حدیث ۴۰۸۱، ج ۳، ص ۳۰۱.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۸

۱۲۶ خائن و امین

شخصی نزد امام صادق علیه السلام رفته و عرض کرد:

من به کسی اطمینان کردم و او را امین دانستم و مالی را به او سپردم، ولی اکنون او مالم را انکار می کند و به من خیانت کرده است.

امام علیه السلام فرمود: امین به تو خیانت نکرده است، بلکه تو خائن را امین شمرده ای «۱».

---

(۱) حدیث ۴۰۹۳، ج ۳، ص ۳۰۵.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۶۹

۱۲۷ جانشینان پیامبران

امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود:

من سرور پیامبرانم، و جانشین من سرور جانشینان است. و جانشینان او، سروران جانشینان هستند.

آدم علیه السلام از خدای عزّ و جلّ خواست که برای او جانشینی صالح قرار دهد. آنگاه خدای عزّ و جلّ به او وحی فرستاد که:

من پیامبران را به نبوّت گرامی داشتم. سپس از میان آفریدگانم گروهی را برگزیدم، و گزیده آنان را جانشینان پیامبران قرار دادم.

آنگاه خداوند به آدم علیه السلام وحی فرستاد که وصیّ خود را شیث قرار دهد.

آدم علیه السلام به شیث وصیت فرمود، و شیث به شبّان و ...

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۰

تا اینکه به من (رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله) رسید «۱».

من این وصیت را به تو- ای علی- می سپارم. و تو نیز به جانشین خود، و جانشین تو نیز به جانشینانت از فرزندانت- یکی پس از دیگری- تحویل می دهند، تا به بهترین اهل زمین پس از تو تحویل شود.

و یقینا امّت به تو کافر می شوند، و در باره ات، به اختلاف شدید می افتند، که در این حالت، کسی که بر ولایت حضرتت ثابت بماند، مانند آن کس است که

همراه با من بر دین حق باقی مانده است. و کسی که از تو دور شود، در جهنم است. و جهنم، جایگاه کافران است «۲».

---

(۱) در متن حدیث، نام تمام این اوصیاء علیهم السلام آمده است.

(۲) حدیث ۵۴۰۲، ج ۴، ص ۱۷۴- ۱۷۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۱

۱۲۸ نامهای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله

محمد بن قیس گوید: امام باقر صلوات اللّه علیه فرمود:

نام رسول خدا صلی اللّه علیه و آله، در صحف ابراهیم علیه السلام، «ماحی»؛ در تورات موسی علیه السلام، «حادّ»؛ در انجیل عیسی علیه السلام، «احمد»؛ و در قرآن، «محمّد» است.

در مورد معنای این نامها از حضرتش پرسیدند.

فرمود:

«ماحی» یعنی: محوکننده صورت بتها، و هر معبودی غیر از خدای رحمان.

«حادّ» یعنی: هر کس که با خدا و دینش مبارزه کرده، پیامبر با او دشمنی می فرماید، چه نزدیک باشد و چه دور.

«احمد» یعنی: حمد و ثنای خدای عزّ و جلّ بر او در تمام کتابهای آسمانی آمده، به سبب کارهای پسندیده ای که داشته است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۲

و در مورد «محمّد» فرمود: خدا و ملائکه و تمام پیامبران و فرستادگان او و تمامی امتهای ایشان او را حمد می گویند و بر حضرتش صلوات می فرستند. و نام ایشان که بر عرش نوشته شده، «محمد رسول اللّه» است. «۱» (صلّی اللّه علیه و آله و سلّم)

---

(۱) حدیث ۵۴۰۳، ج ۴، ص ۱۷۷- ۱۷۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۳

۱۲۹ آداب سفره (۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

زمانی که سفره ای را گستردند، چهار فرشته اطراف آن گرد می آیند، اگر کسی که سر سفره می نشیند «بسم اللّه» بگوید، فرشتگان به شیطان گویند:

«خوار شو، ای تبه کار! که تو بر اینان سلطه ای نداری.» و اگر «بسم اللّه» نگویند، فرشتگان به شیطان گویند:

«بیا ای نافرمان! و با اینها هم خوراک شو.» و پس از اتمام غذا، اگر حاضران «الحمد للّه» بگویند، فرشتگان گویند:

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲،

ص: ۷۴

«اینان مردمی هستند که شکر نعمت را به جای آوردند.» و اگر «الحمد لله» نگویند، فرشتگان گویند:

«اینان بندگان ناسپاس خدا هستند که خدا به ایشان نعمت داد، ولی خدا را فراموش کردند «۱».»

---

(۱) حدیث ۴۲۵۰، ج ۳، ص ۳۵۵.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۵

۱۳۰ آداب سفره (۲)

* امام صادق علیه السلام فرمود:

وضو گرفتن قبل و بعد از غذا، فقر را از میان می برد.

* رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:

هر کس دوست دارد که خیر در خانه اش زیاد شود، باید هنگام حاضر شدن طعام، وضو بگیرد.

* امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس دست خود را قبل و بعد از غذا خوردن بشوید، با راحتی زندگی کند، و از بیماری در بدن در امان بماند.

* امام سجاد علیه السلام، هنگام غذا خوردن، این دعا را می خواند:

الحمد للّه الّذی أطعمنا و سقانا، و کفانا و ایّدنا و

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۶

آوانا، و أنعم علینا و افضل، الحمد للّه الّذی یطعم و لا یطعم.

سپاس، خدا را که ما را غذا داد و سیراب فرمود. کفایت امور ما را نمود، و تأییدمان فرمود، و پناهمان داد. به ما نعمت بخشید و احسان نمود. سپاس خدا را که اطعام می کند، ولی اطعام نمی شود «۱».

---

(۱) حدیث ۴۲۶۳ تا ۴۲۶۶، ج ۳، ص ۳۵۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۷

۱۳۱ شگفتا!

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود:

در شگفتم از کسی که از غذا (ی نامناسب) پرهیز می کند تا گرفتار بیماری نشود، چگونه از گناهان دوری نمی کند تا به آتش جهنم دچار نگردد «۱»؟!

---

(۱) حدیث ۴۲۷۲، ج ۳، ص ۳۵۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۸

۱۳۲ آزار پیامبر

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود:

هر کس ذمّه مرا بیازارد، مرا آزرده است.

شیخ صدوق می نویسد:

جایی که آزار و اذیت ذمّه پیامبر صلی اللَّه علیه و آله (یهود و نصارای تحت پوشش امّت اسلام)، آزار و اذیّت حضرتش باشد، چگونه است حالت کسی که دخت گرامی و پاره تن رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله را برنجاند، و به قتل او همّت گمارد؟! در حالی که آن بانو، سرور بانوان اولین و آخرین است، و پیامبر در باره ایشان فرمود:

«هر کس آن بانو را آزار دهد، مرا اذیت کرده است. و هر کس او را خوشحال کند، مرا مسرور ساخته است» «۱».

---

(۱) حدیث ۵۲۵۸، ج ۴، ص ۱۲۴- ۱۲۵.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۷۹

۱۳۳ سوگند

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به خدا سوگند یاد کرد، باید راست گوید. و چنانچه راست نگوید، با خداوند و آیین او بیگانه است.

و هر کس که برای او سوگند خورند باید بپذیرد، و اگر نپذیرد وی نیز با خدا و آئین او بیگانه خواهد بود.

و نیز فرمود: قسم دروغ، موجب می شود که زمین، مانند بیابانی خشک و عاری از آبادانی گردد «۱».

---

(۱) حدیث ۴۲۸۲ و ۴۲۹۸، ج ۳، ص ۳۶۲ و ۳۶۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۰

۱۳۴ کفّاره غیبت

امام صادق علیه السلام فرمود:

از رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم پرسیدند:

کفّاره غیبت کردن چیست؟

حضرت فرمود: طلب آمرزش کن برای کسی که غیبت از او کرده ای، همان طور که از او بدی گفته ای «۱».

---

(۱) حدیث ۴۳۲۷، ج ۳، ص ۳۷۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۱

۱۳۵ تربیت فرزند در سه نوبت

امام صادق علیه السلام فرمود:

فرزند پسر را تا هفت سال رها کنید، که مشغول بازی باشد.

هفت سال بعد او را تحت تربیت و آموزش قرار دهید.

هفت سال بعد او را همدم و هم راز خود قرار دهید. اگر راه راست را یافت، او سعادت یافته است، و به او امیدوار باشید.

در غیر این صورت، امید بر کار خیری در او نداشته باشید «۱».

---

(۱) حدیث ۴۷۴۳، ج ۳، ص ۴۹۲.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۲

۱۳۶ دروغ

سالم بن مکرم جمّال گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود:

دروغ بستن بر خدا و پیامبرش و بر جانشینان پیامبر علیهم السلام، از جمله گناهان کبیره است «۱».

---

(۱) حدیث ۴۹۴۱، ج ۳، ص ۵۶۸- ۵۶۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۳

۱۳۷ توبه

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هیچ شفیعی بهتر و نجات دهنده تر از توبه نخواهد بود «۱».

---

(۱) حدیث ۴۹۶۵، ج ۳، ص ۵۷۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۴

۱۳۸ متجاوز به اوامر خداوند

روزی امام صادق علیه السلام به ابو اسحاق صیقل فرمود:

نامه ای در ذوابه «۱» شمشیر رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم پیدا شد که در آن چنین نوشته بود:

«بسم اللَّه الرحمن الرحیم» متجاوزترین مردم بر خداوند در روز قیامت، کسی است که بی گناهی را که قصد سوئی به او نداشته بکشد و یا بزند.

و کسی که غیر از افرادی که خداوند برای او تعیین کرده، مولای خود قرار دهد.

در این حالت، او به آنچه خداوند بر رسولش

---

(۱) ذوابه: کیسه کوچک چرمی که بر دسته شمشیر آویزان می کنند.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۵

فرو فرستاده، کفر ورزیده است. و هر کس بدعتی در دین گذارد و یا بدعت گذاری را در خانه پناه دهد خداوند متعال توبه و کارهای نیک او را نپذیرد».

آنگاه امام علیه السلام فرمود:

آیا می دانی منظور از این سخن «افرادی که خداوند تعیین کرده» چیست؟

عرض کردم: یا بن رسول اللَّه! منظور چیست؟

امام علیه السلام فرمود: منظور اهل بیت علیهم السلام است. «۱» و «۲»

---

(۱) یعنی هر کس که غیر اهل بیت علیهم السلام را مولا و سرپرست دین خود بگیرد، در زمره متجاوزین به خداوند و اوامر او خواهد بود.

(۲) حدیث ۵۱۵۸، ج ۴، ص ۹۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۶

۱۳۹ دوستی اهل بیت علیهم السلام

پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

علی، وصی من و جانشین من است.

همسرش فاطمه، سرور زنان جهانیان دختر من است.

حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت دو فرزند من هستند.

هر کس ایشان را دوست بدارد، مرا دوست داشته است، و هر کس با ایشان دشمنی کند، با من دشمنی کرده است.

هر

که با ایشان در افتد، به حقیقت با من در افتاده است.

و هر که به ایشان جفا کند، به راستی با من جفا کرده است.

و هر که در باره ایشان نیکی کند، حقیقتا نسبت به من نیکی کرده است.

هر کس که با ایشان ارتباط برقرار کند، خدا رشته دوستیش را با او متصل سازد.

و هر کس که از ایشان ببرد، خدا رشته لطفش را از او

بگسلد.

و خدا کسی را که به ایشان یاری کند نصرت بخشد.

و کسی را که از یاری ایشان دریغ کند، از یاری خود محروم می سازد! خدایا! هر یک از پیامبران و رسولان تو گنجینه نفیسی و خانواده ای داشته است. پس علی و فاطمه و حسن و حسین [علیهم السلام] اهل بیت و گنجینه نفیس من هستند. پس پلیدی را از ساحت ایشان بزدای، و ایشان را پاک و پاکیزه ساز «۱».

---

(۱) حدیث ۵۴۰۴ و ۵۹۲۰، ج ۴، ص ۱۷۹ و ۴۲۰.

۱۴۰ سرور پیامبران، و سرور جانشینان

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

خدای تعالی صد و بیست و چهار هزار پیامبر دارد، که من نزد خداوند عزّ و جلّ، سرور و برتر و گرامی ترین ایشان هستم.

و هر پیغمبری، وصیّی دارد، که به فرمان خدا او را به وصایت برگزیده است، و وصیّ من علیّ بن ابی طالب، سرور و برتر و گرامی ترین وصیّ پیامبران نزد خداوند عزّ و جلّ است «۱».

---

(۱) حدیث ۵۴۰۷، ج ۴، ص ۱۸۰.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۸۹

۱۴۱ منّت خداوند بر بندگان

ابو حمزه گوید:

امام علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید:

ای پسر آدم! به وسیله سه چیز بر تو منت نهادم:

۱- گناهی که [مرتکب شدی و] پرده ستر خود را بر آن افکندم، که اگر خانواده تو از آن گناه خبردار می شدند، تو را دفن نمی کردند.

۲- نعمت خود را بر تو وسعت بخشیدم، آنگاه از تو قرض خواستم، ولی اقدام به کار خیری نکردی.

۳- در هنگام مرگ به تو مهلتی دادم تا در ثلث مالت وصیت کنی، ولی تو اقدام خیری نکردی «۱».

---

(۱) حدیث ۵۴۱۰، ج ۴، ص ۱۸۱.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۰

۱۴۲ بهشت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود:

کسی که زندگیش با «لا اله الا اللّٰه» پایان پذیرد، و یا کسی که زندگیش با روزه به پایان رسد، و یا کسی که زندگیش با دادن صدقه بخاطر خشنودی خدا پایان پذیرد، به بهشت داخل می شوند «۱».

---

(۱) حدیث ۵۴۱۷، ج ۴، ص ۱۸۳.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۱

۱۴۳ وصیت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: رسول اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود:

کسی که وصیتش را هنگام مرگ، درست و نیکو انجام ندهد، این کار، نقصان عقل و مروّت اوست.

گفتند: یا رسول اللَّه! وصیت چگونه نیکو و درست می شود؟

فرمود: چون وفات شخص نزدیک شود و مردم اطراف او جمع شده باشند بگوید:

اللّهمّ فاطر السّماوات و الارض، عالم الغیب و الشّهاده الرّحمن الرّحیم.

اللّهمّ انّی اعهد الیک فی دار الدّنیا، أنّی اشهد ان لا اله الّا انت، وحدک لا شریک لک، و انّ محمدا عبدک و رسولک، و انّ الجنّه حقّ، و النّار حقّ، و

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۲

أنّ البعث حقّ، و الحساب حقّ، و الصّراط حقّ، و القدر حقّ، و المیزان حقّ، و أنّ الدّین کما وصفت، و أنّ الاسلام کما شرعت، و أنّ القول کما حدثت، و انّ القرآن کما انزلت، و انّک أنت اللَّه الحقّ المبین، جزی اللَّه محمدا عنّا خیر الجزاء، و حیّا اللَّه محمدا و آل محمّد بالسّلام؛ اللّهمّ یا عدّتی عند کربتی، و یا صاحبی عند شدّتی، و یا ولیّ نعمتی، الهی و اله آبائی لا تکلنی الی نفسی طرفه عین، فإنّک ان تکلنی الی

نفسی اقرب من الشرّ و ابعد من الخیر، فانس فی القبر وحشتی، و اجعل لی عهدا یوم القاك منشورا.

ای خدای آفریننده آسمان ها و زمین!، دانای غیب و شهود، رحمان و رحیم، خدایا من در دار دنیا نزد تو اعتراف می كنم كه معبود حقی جز تو نیست، كه تنها و بی شریكی، و محمد بنده و رسول تو است، و بهشت حق است، و دوزخ حق است و برانگیختن مردگان حق است، و حساب و صراط و قدر و میزان حق است.

و دین چنان است كه تو وصف كرده ای و اسلام بدان گونه است كه تو قرار داده ای،

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۳

و سخن همان است كه تو باز گفته ای، و قرآن چنان است كه نازل كرده ای، و تو همان «الله» حق آشكاری. خدا محمد را از جانب ما بهترین جزاء عطا كند، و خدا محمد و آل محمد را به وسیله سلام مورد تحیت قرار دهد.

خدایا! ای ذخیره من، به هنگام هجوم اندوه و مواقع درماندگی ام.

و ای یار و مددكار من، در برابر شدائد، و ای ولی نعمتم! ای معبود من و معبود پدران من! در چشم بر هم زدنی مرا به خودم وامگذار، و زمام امورم را به دست هوای نفسم مسپار، زیرا اگر مرا به خودم واگذاری، به شر نزدیك می شوم و از خیر دوری می كنم، پس در تاریكی و تنهایی قبر مونسم باش، و در آن روز كه با تو دیدار كنم پیمان گسترده امن و امانی در اختیارم گذار.

پس وصیت كننده خواهشهای فردی خود را می شمارد ....

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

این وصیّت را پیامبر خدا به من تعلیم فرمود.

و

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود:

این وصیت را جبرئیل به من آموخت «۱».

---

(۱) حدیث ۵۴۳۱، ج ۴، ص ۱۸۷- ۱۸۸.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۴

۱۴۴ خصلتهای مؤمن

امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:

یا علی! تو را به چند خصلت وصیت می کنم. آنها را نگاه دار. خدایا او را یاری کن که آنها را حفظ کند: «۱» ۱- صداقت، که یک کلمه دروغ از دهانت بیرون نیاید.

۲- پارسایی، چنان که هرگز به خیانتی جرأت پیدا نکنی.

۳- ترس از خداوند، تا جایی که گویی پیوسته او

---

(۱) باید توجه داشت منظور از حفظ کردن، الفاظ را در ذهن نگاه داشتن نیست. بلکه غرض از حفظ کردن، نگاه داری و مراقبت از آن با تمام وجود می باشد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۵

را می بینی.

۴- گریه بسیار از خشیت خدای عزّ و جلّ، که در برابر هر قطره اشکت خانه ای در بهشت برایت بنیاد می کند.

۵- بذل مال و جان در راه دین خدا.

۶- به کار بستن سنت من در نماز (که پنجاه رکعت واجب و مستحبّ است) و روزه (هر ماه سه روز است: اولین و آخرین پنجشنبه، و چهارشنبه وسط ماه) و صدقه (هر چه می توانی).

۷- و بر تو باد نماز شب، نماز شب، نماز شب.

۸- و بر تو باد نماز زوال.

۹- و بر تو باد تلاوت قرآن در هر حال.

۱۰- و بر تو باد به بلند کردن هر دو دستت در نماز.

۱۱- و بر تو باد مسواک کردن هنگام هر وضو برای هر نماز.

۱۲- و بر تو باد مکارم

اخلاق، و بر تو باد دوری از رذایل اخلاقی.

پس اگر چنین نکنی، کسی جز خودت را سرزنش مکن «۱».

---

(۱) حدیث ۵۴۳۲، ج ۴، ص ۱۸۸- ۱۸۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۶

۱۴۵ آخرین لحظات عمر رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

چون زمان رحلت پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله فرا رسید، جبرئیل علیه السلام بر حضرتش فرود آمد و عرضه داشت:

ای رسول خدا! آیا می خواهی به دنیا باز گردی؟

فرمود: نه، رسالتهای خدایم را رسانده ام.

جبرئیل، بار دیگر کلامش را تکرار کرد.

فرمود: نه، بلکه می خواهم به سوی رفیق اعلی بروم.

آنگاه پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله- در حالی که مسلمانان پیرامون حضرتش گرد آمده بودند- فرمود:

ای مردم! پیامبری پس از من و سنّتی پس از سنّت من نیست. هر کس بعد از این سخن، ادعای نبوّت و سنّتی جدید کند، ادعا و بدعت او در آتش است ... «۱».

---

(۱) حدیث ۵۳۷۰، ج ۴، ص ۱۶۳.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۷

۱۴۶ صله رحم

سلمی (پرستار پسر امام صادق علیه السلام) هنگام لحظات آخر عمر امام صادق علیه السلام نزد او بوده و بیان می دارد که:

زمانی که حالت بی هوشی به امام صادق علیه السلام دست داد و سپس به هوش آمد، فرمود:

هفتاد دینار به افطس «۱» بدهید.

گفتم: شما هفتاد دینار به مردی می دهید که با کارد و خنجر به قصد کشتن، به شما حمله کرد؟! فرمود: وای بر تو! آیا قرآن نمی خوانی؟

گفتم: چرا.

فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند عزّ و جلّ می فرماید:

وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ

---

(۱) حسن بن علی افطس، از بستگان نزدیک امام صادق علیه السلام بود که با حضرتش دشمنی می کرد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۸

رَبَّهُمْ وَ يَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ «۱».

کسانی که آنچه را که خدا امر به پیوستش فرموده است، می پیوندند. و از پروردگارشان بیم دارند، و از بدی حساب

خویش می هراسند. «۲» و «۳»

---

(۱) سوره رعد، آیه ۲۳.

(۲) یکی از معانی این آیه شریفه، امر به احسان و نیکی به خویشاوندان است.

(۳) حدیث ۵۵۵۱، ج ۴، ص ۲۳۱- ۲۳۲.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۹۹

۱۴۷ شریکان قتل

روزی به رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله گفتند:

کسی در «جهینه» کشته شده است. حضرتش رفت تا به مسجد آنان رسید، و ندایی بین مردم دادند که همه آنان گرد آمدند.

پیامبر پرسید:

چه کسی این شخص را کشته است؟

گفتند:

ای پیامبر خدا! نمی دانیم.

فرمود: کشته ای از مسلمانان است، در پیشگاه مسلمانان. که قاتل او معلوم نیست! سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت، اگر تمام اهل آسمان و اهل زمین گرد هم آیند، و در خون یک مرد مسلمان شرکت کنند و به آن رضایت دهند، خدای عزّ و جلّ تمام آنان را به رویشان در آتش جهنم می افکند «۱».

---

(۱) حدیث ۵۱۷۰، ج ۴، ص ۹۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۰

۱۴۸ سفارش پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم (۱) دنیا، زندان مؤمن

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

یا علی! تو را وصیتی می کنم، پس آن را محفوظ دار تا از خیر آن برخوردار باشی:

یا علی! کسی که خشمش را فرونشاند، در حالی که می تواند آن را اجراء کند، خدا در روز قیامت امنیت و ایمانی به او می دهد که طعم آن را در کام جانش می یابد.

یا علی! کسی که مردم از زبانش بترسند، از اهل دوزخ است.

یا علی! کسی که عذر عذرخواهی را نپذیرد- چه راست و چه دروغ- به شفاعت من نخواهد رسید.

یا علی! خوشا به حال کسی که عمرش دراز و

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۱

عملش نیکوست.

یا علی! کسی که بی حوصلگی بر او چیره شود، آسایش از او رخت بر می بندد.

یا علی! آفت شرافت، فخر فروختن است.

یا علی! کسی که

از خداوند عزّ و جلّ بترسد، همه چیز از او می ترسد. و کسی که از خدا نترسد، خدا او را از همه چیز می ترساند.

یا علی! تو را از سه خصلت نهی می کنم:

از حسد، حرص و کبر.

یا علی! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است «۱».

---

(۱) حدیث ۵۷۶۲، ج ۶، ص ۲۵۷- ۲۵۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۲

۱۴۹ سفارش پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم (۲) مسواک

حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

یا علی! مسواک زدن از سنت است، پاک و پاکیزه کننده دهان است.

چشم را جلا می دهد.

و خدای رحمان را خشنود می سازد.

و دندانها را سفید می کند.

زنگ و زردی دندانها را می زداید.

لثه را محکم می سازد.

موجب اشتهای طعام می شود.

غم را از میان می برد.

نیروی حافظه را می افزاید.

حسنات را دو چندان می کند، فرشتگان را خشنود می سازد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۳

۱۵۰ سفارش پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم (۳) آفتها

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود:

ای علی! آفت سخن، دروغگویی است.

آفت علم، فراموشی است.

آفت عبادت، سستی است.

آفت زیبایی، خودپسندی است.

آفت علم، حسد است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۴

۱۵۱ سفارش پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم (۴) بدترین فقر

پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

ای علی! فقری، سخت تر از جهل نیست.

ثروتی، سودمندتر از عقل نیست.

تنهایی، دهشتناکتر از خودپسندی نیست.

عقلی، همچون تدبیر امور نیست.

پارسایی، همچون خودداری از محرمات خداوند سبحان نیست.

شأن و عنوانی، همچون حسن خلق نیست.

عبادتی، همچون تفکر نیست.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۵

۱۵۲ سفارش پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم (۶) یتیم

ای علی! هر کس کودکی یتیم را- از نظر مسائل مالی- سرپرستی کند تا زمانی که بی نیاز گردد، بهشت بر او واجب می گردد.

ای علی! هر کس دست خود را- از روی مهربانی- بر سر کودکی یتیم بکشد، خدای عزّ و جلّ، به عدد هر مویی که در سر آن کودک است، نوری در روز قیامت (به او) می بخشد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۶

۱۵۳ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم (۶) والدین و فرزندان

۱- ای علی! حقّ فرزند بر پدرش، این است که اسم و ادب او را نیکو گرداند، و او را در جایگاهی نیکو قرار دهد.

و حق پدر بر فرزندش، این است که فرزند، او را به نام ننامد، جلوتر از او راه نرود، جلوتر از او ننشیند، و ...

۲- ای علی! خداوند لعنت کناد پدر و مادری را که فرزند خود را به رنجش آنها وادارند.

۳- ای علی! والدین، عاقّ فرزند خود می شوند، همان گونه که فرزند، عاقّ پدر و مادر می گردد.

۴- ای علی! خداوند رحمت آورد بر پدر و مادری که فرزند خود را بر نیکی به ایشان کمک کنند.

۵- ای علی! هر کس والدین خود را غمگین سازد، عاقّ آنها شده است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۷

۱۵۴ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم (۷) نشانه های مؤمن

ای علی! شایسته است که هشت خصلت در مؤمن باشد:

۱- وقار در فتنه ها.

۲- صبر در هنگام بلا.

۳- شکر در زمان آسایش.

۴- قانع بودن به روزیی که خدای عزّ و جلّ به او داده است.

۵- به دشمنان ستم نمی کند.

۶- بر دوستان، کاری بیش از اندازه آنها تکلیف نمی کند.

۷- جسمش از او در رنج است.

۸- مردم از دست او در راحت هستند.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۸

۱۵۵ سفارش پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم (۸) چهار خصلت

۱- ای علی! دعای چهار نفر بر نمی گردد:

اول «۱»- دعای پیشوای عادل.

دوم- دعای پدر در حقّ فرزندش.

سوم- کسی که برای برادرش در پشت سر دعا کند.

چهارم- دعای فردی که ستم دیده است.

خدای عزّ و جلّ می فرماید:

به عزّت و جلالم سوگند، تو را یاری می کنم، گرچه بعد از گذشت زمانی باشد.

---

(۱) در تمام احادیث این بخش، عناوین «اول، دوم، سوم، چهارم» در متن حدیث نبود و توسط مترجم افزوده گردید.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۰۹

۲- ای علی! چهار عمل زشت، سریعترین عقوبت را در پی دارد:

اول- کسی که به او احسان کنی، امّا او نیکی تو را با بدی پاسخ دهد.

دوم- کسی که به حقّ او تجاوز نکرده ای، امّا او نسبت به حق تو تجاوز می کند.

سوم- کسی که با او در کاری پیمان ببندی، و تو به عهد خود وفا کنی، ولی او در حق تو، بی وفایی نماید.

چهارم- کسی که با نزدیکان خود پیوند داشته باشد، امّا آنان این پیوند را قطع کنند.

۳- ای علی! اگر چهار خصلت در هر کس باشد، خدای تعالی برایش خانه ای در بهشت بنا می کند:

اول- یتیمی را پناه دهد.

دوم- به فردی ضعیف رحم کند.

سوم- با والدین خود مهربان

باشد.

چهارم- نسبت به مملوک خود مدارا كند.

گلچين صدوق (گزيده من لا يحضره الفقيه)، ج ۲، ص: ۱۱۰

۴- ای علی! چهار خصلت از شقاوت است:

اول- خشكی چشم.

دوم- قساوت قلب.

سوم- درازی آرزو.

چهارم- علاقه به ماندن در دنيا.

۵- ای علی! خوابيدن چهار گونه است:

اول- خوابيدن پيامبران عليهم السلام، كه بر پشت است.

دوم- خوابيدن مؤمنان، كه بر جانب راست آنها است.

سوم- خوابيدن كافران و منافقان، كه بر جانب چپ آنها است.

چهارم- خوابيدن شيطانها، كه به روی آنها است.

۶- ای علی! چهار چيز كمر [انسان] را می شكند:

اول- پيشوايی كه خدای عزّ و جلّ را عصيان می كند، و در همين حال، امر او اطاعت می شود.

دوم- زنی كه همسرش او را نگاه می دارد، ولی آن

گلچين صدوق (گزيده من لا يحضره الفقيه)، ج ۲، ص: ۱۱۱

زن به او خيانت كند.

سوم- فقری كه صاحب آن، راه چاره ای برايش نيابد.

چهارم- همسايه بدی كه در كنار خانه اش باشد.

۷- ای علی! چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت دان:

اول- جوانی خود را پیش از پیری ات.

دوم- سلامت خود را پیش از بیماری ات.

سوم- غنای خود را پیش از فقرت.

چهارم- زندگی خود را پیش از مردنت.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۱۲

۱۵۶ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم (۹) سه خصلت

۱- ای علی! سزاوار نیست که عاقل غیر از سه کار به کاری دیگر، مشغول شود:

اول «۱»- ترمیم معیشت دنیا.

دوم- توشه برداشتن برای معاد.

سوم- لذت بردن از غیر حرام.

۲- ای علی! سه خصلت، از مکارم اخلاق در دنیا و آخرت است:

اول- کسی که بر تو ستم کرد، از او درگذری.

---

(۱) در تمام احادیث این بخش، عناوین «اول، دوم، سوم» در متن حدیث نبود، و توسط مترجم افزوده گردید.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص:

دوم- کسی که پیوند خود را با تو برید، با او پیوند کنی.

سوم- کسی که نسبت به تو نادانی کرد، به او حلم ورزی.

۳- ای علی! سه خصلت است که هر کس با داشتن آنها به ملاقات خدای عزّ و جلّ برسد، از برترین مردم است:

اول- کسی که واجبات خدا را به جای آورد، از عابدترین مردم است.

دوم- کسی از محرّمات خدای عزّ و جلّ دوری گزیند، در زمره باورع ترین مردم است.

سوم- کسی که به آنچه خداوند برایش روزی کرده قناعت نماید، از بی نیازترین مردم است.

۴- ای علی! سه کار است که این امّت، توان آن را ندارد:

اول- مساوات با برادر دینی در اموال.

دوم- به انصاف با مردم رفتار کردن.

سوم- یاد خدا در هر حال. و یاد خدا، (منحصرا) گفتن «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الا اللّه و

اللّه اکبر» نیست. بلکه هنگامی که بر کاری حرام وارد شد، از خدای عزّ و جلّ بترسد، و آن را رها کند.

۵- ای علی! سه خصلت، از حقایق ایمان است:

اول- انفاق، در حال تنگدستی.

دوم- انصاف دادن در برخورد با مردم.

سوم- بذل علم، به جویای علم.

۶- ای علی! سه خصلت است که در هر کس نباشد، عمل او تمام نیست:

اول- ورع و تقوایی که او را از گناهان باز دارد.

دوم- اخلاقی که با مردم به سبب آن مدارا کند.

سوم- حلم و بردباری که به وسیله آن، جهل جاهل را باز گرداند.

۷- ای علی! مؤمن در دنیا، به سه چیز دل خوش دارد:

اول- ملاقات برادران دینی.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۱۵

دوم- افطار دادن به شخص

روزه دار.

سوم- تهجّد (نماز و عبادت) در آخر شب.

۸- ای علی! تو را از سه خصلت نهی می کنم:

اول- حسد.

دوم- حرص.

سوم- کبر.

۹- ای علی! سه کار، قساوت قلب می آورد:

اول- گوش فرا دادن به سخن لغو و بیهوده.

دوم- به دنبال صید رفتن.

سوم- رفتن به پیشگاه پادشاه.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۱۶

۱۵۷ سفارش پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم (۱۰) سه علامت

ای علی! ۱- مؤمن، سه علامت دارد:

نماز، زکات، روزه.

۲- متکلّف، سه علامت دارد:

در حضور انسان او را تملّق می کند.

پشت سرش از او غیبت می کند.

در مصیبت شماتت می کند.

۳- ستمگر، سه علامت دارد:

بر زیر دست خود، به غلبه قاهر می شود.

بالاتر از خود را معصیت می کند.

ستمگران را پشتیبانی می نماید.

۴- ریاکار، سه علامت دارد:

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۱۷

در حضور مردم (برای عبادت) نشاط، نشان می دهد.

در تنهایی (برای عبادت) کسالت دارد.

دوست دارد که در تمام کارهایش مورد ستایش قرار گیرد.

۵- منافق، سه علامت دارد:

چون سخن گوید، دروغ گوید.

چون وعده دهد، خلف وعده کند.

چون مورد امانت قرار گیرد، خیانت کند.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۱۸

۱۵۸ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم (۱۱) سفر

ای علی! برای نیکی به والدین، حتی مسیر دو ساله را بپیما.

برای صله رحم، حتی راه یک ساله را طی کن.

برای عیادت مریض، حتی یک میل راه را برو.

برای تشییع جنازه، حتی دو میل راه را طی نما.

برای پاسخ گویی به دعوت کسی، حتی سه میل راه را طی کن.

در راه خدا، برای دیدار برادر دینی، چهار میل سفر کن.

برای اجابت ندای درمانده ای، پنج میل راه را بپیما.

برای یاری ستمدیده ای، شش میل راه را طی کن.

و (در هر حال که هستی) از خدا طلب مغفرت نما.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۱۹

۱۵۹ سفارش پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم (۱۲) مؤمن، مسلمان، مهاجر

ای علی! مؤمن، کسی است که مسلمانان بر مالها و جانهای خود از او در امان باشند.

مسلمان، کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در سلامت باشند.

مهاجر، کسی است که از بدی ها سفر کند.

ای علی! محکمترین رشته ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا است.

ای علی! خدای تبارک و تعالی، به سبب اسلام، نخوت «۱»

---

(۱) نخوت: تکبّر.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۲۰

جاهلیت و فخر فروشی به پدران و گذشتگان را از میان برده است.

آگاه باشید! که مردم، از آدم علیه السلام پدید آمده اند، و آدم علیه السلام از خاک است. و گرامی ترین آنها نزد خدا، باتقواترین ایشان است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۲۱

۱۶۰ سفارش پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم (۱۳) دنیا و آخرت

ای علی! هنگامی که بنده ای می میرد، مردم می گویند:

چه چیزی (اموال و اولاد) از خود به جای نهاد، و ملائکه می گویند: چه عملی در زمان زندگی برای آخرت خود پیش فرستاد.

ای علی! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است «۱».

(۱) به روایت امام جواد علیه السلام، حضرت سید الشهداء علیه السلام در یکی از خطابه های خود در روز عاشورا فرمود:

مرگ، پلی است برای اینان (مؤمنان) به سوی بهشت آنها، و پل آنان (کافران) است به سوی جهنّم ایشان.

(بحار الانوار ج ۶، ص ۱۵۳، ضمن حدیث ۹ و ج ۴۴، ص ۲۹۷ حدیث ۲) در حدیث دیگر دارد که:

یک فقیر یهودی، راه را بر امام حسن مجتبی علیه السلام بست، و به حضرتش عرضه داشت:

ای پسر رسول خدا! در مورد من انصاف بده.

امام مجتبی علیه السلام فرمود: در چه موردی؟

گفت: جدّ شما فرموده است:

«الدنیا سجن المؤمن و جنّه الکافر». در حالی که

تو مؤمن هستی و من کافرم. من می بینم که دنیا برای شما بهشت است که در آن متنعّم هستی، امّا من در سختی هستم.

امام علیه السلام فرمود:

ای پیر مرد! اگر بنگری به آنچه که خداوند برای من و برای مؤمنان در آخرت مهیّا ساخته، از آنچه چشمی ندیده و گوشی نشنیده، می دانستی که من قبل از انتقال به آخرت، در زندانی تنگ هستم.

و اگر می نگریستی به آنچه خداوند برای تو و برای هر کافری در آخرت آماده فرموده- از آتش جهنم و سختی عذاب پایدار- می دیدی که قبل از رفتن به آن دیار، در بهشت گسترده و نعمت فراگیری به سر می بری.

(بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۵، حدیث ۱۹)

ای علی! مرگ ناگهانی، برای مؤمن سبب راحت، و برای کافر، مایه حسرت است.

ای علی! خدای تبارک و تعالی به دنیا وحی فرستاد:

هر کس به من خدمت کرد، به او خدمت کن. و هر که به تو

خدمت کرد، او را در رنج و زحمت بینداز.

ای علی! اگر دنیا نزد خدای تبارک و تعالی به اندازه بال مگسی ارزش داشت، به کافر، شربتی از آب نمی نوشانید.

ای علی! هیچ کس از گذشتگان و آیندگان نیست، مگر اینکه در روز قیامت تمنّی می کند که:

ای کاش در دنیا فقط به اندازه قوت (خوراک روزانه) به او داده می شد «۱».

---

(۱) این جمله، سختی محاسبه روز قیامت را نشان می دهد، که باید نسبت به آن هشیار باشیم.

۱۶۱ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم (۱۴) علم

ای علی! هر کس علم را بیاموزد، تا به

وسیله آن بر سفیهان فخر فروشد؛ یا با عالمان مجادله کند؛ یا مردم را به سوی خود فرا خواند؛ از اهل آتش است.

ای علی! خواب عالم، از عبادت عابد برتر است.

ای علی! دو رکعت نماز که عالم گزارد، از هزار رکعت که عابد به جای آورد، برتر است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۲۵

۱۶۲ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم (۱۵) امامت و اهل بیت

۱- ای علی! هر چیز، اساس و پایه ای دارد. و پایه اسلام، حبّ ما اهل بیت است.

۲- ای علی! خدای عزّ و جلّ هیچ پیغمبری را بر نیانگیخت، مگر اینکه خاندان او را از صلب خودش قرار داد. امّا خاندان مرا از صلب تو قرار داد. و اگر تو نبودی، من خاندان و ذرّیه نداشتم.

۳- ای علی! شگفت آورترین ایمان، و بزرگترین یقین، از آن مردمی است که در آخر الزمان هستند. پیامبر را ندیده اند، و حجّت خدا از آنان غایب است، اما آنان به سیاهی بر سپیدی ایمان آورده اند.

۴- ای علی! هر کس صلوات فرستادن بر من را فراموش کند، در مورد راه بهشت خطا می کند.

۵- ای علی! خدای عزّ و جلّ که از اهل دنیا آگاهی دارد، مرا

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۲۶

از مردان جهان برگزید. بار دوم تو را، و در مرتبه سوم امامان از فرزندان تو را به مردان جهانها برگزید.

۶- ای علی! من اسم تو را در کنار اسم خودم در سه موضع همراه دیدم، و از نظر به آن انس گرفتم.

[اول] زمانی که در ضمن سفر معراجم به آسمان، به بیت المقدس رسیدم، بر صخره آن چنین یافتم:

لا اله الا الله، محمد رسول الله، ایّدته بوزیره، و نصرته

بوزیره.

معبودی بحقّ جز الله نیست، محمد رسول خدا است، او را به سبب وزیرش تأیید کردم و نصرت نمودم.

به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟

گفت: علی بن ابی طالب.

[دوم] زمانی که به سدره المنتهی رسیدم، در آنجا دیدم که چنین نوشته شده بود:

انّی انا الله لا إله الّا انا وحدی، محمد صفوتی من خلقی، ایّدته بوزیره، و نصرته بوزیره.

همانا منم الله، که معبودی بحقّ جز من نیست، یکتا و یگانه ام. محمد برگزیده من از میان آفریدگان من است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۲۷

او را به سبب وزیرش تأیید کردم و نصرت بخشیدم.

به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟

گفت: علی بن ابی طالب.

[سوم] زمانی که از سدره المنتهی گذشتم و به عرش الهی رسیدم، دیدم که بر ستونهای عرش نوشته شده بود:

انّنی انا الله لا إله الّا انا وحدی، محمد حبیبی، ایّدته بوزیره و نصرته بوزیره.

همانا منم الله، که معبودی بحقّ جز من نیست، یکتا و یگانه ام. محمد حبیب من است. او را به وزیرش تأیید کردم و نصرت بخشیدم.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۲۸

۱۶۳ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم (۱۶) خیر در چیست؟

ای علی! خیر در گفتار نیست، مگر با عمل، توأمان باشد.

خیر در نظر اول نیست، مگر با اطّلاع قطعی باشد.

خیر در مال نیست، مگر با بخشش وجود، همراه باشد.

خیر در راستگویی نیست، مگر با وفاء قرین گردد.

خیر در فقه نیست، مگر با ورع همراه گردد.

خیر در صدقه نیست، مگر با نیّت (خالص) باشد.

خیر در زندگی نیست، مگر با صحّت قرین گردد.

خیر در وطن نیست، مگر با امنیّت و خوشحالی باشد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۲۹

۱۶۴ سفارش پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم (۱۷) شراب

ای علی! کسی که شراب را ترک گوید، گرچه برای غیر خدا باشد، خداوند او را از رحیق مختوم (در بهشت) سیراب کند.

[در اینجا، علی علیه السلام پرسید: حتی اگر برای غیر خدا باشد؟! رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در پاسخ فرمود: بله، به خدا سوگند، حتی اگر برای نگاهداری جسم خود باشد، در این حال نیز، خداوند کار او را سپاس می گزارد].

ای علی! (عقوبت) نوشنده شراب، مانند بت پرست است.

ای علی! خدای عزّ و جلّ، نماز نوشنده شراب را تا چهل روز قبول نمی کند. اگر در این چهل روز بمیرد «۱»، بر کفر مرده

---

(۱) شیخ صدوق گفته: یعنی اگر در حالی بمیرد که شراب را حلال می داند.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۰

است.

ای علی! هر آنچه مستی آور است، حرام است. و هر چه مقدار زیاد آن مست می کند، جرعه ای از آن نیز حرام است.

ای علی! تمام گناهان را در خانه ای نهاده اند، و کلید آن را نوشیدن شراب قرار داده اند.

ای علی! بر نوشنده شراب، زمانی فرا می رسد که در آن خدای خود- عزّ و جلّ- را نمی شناسد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره

الفقيه)، ج ۲، ص: ۱۳۱

۱۶۵ سفارش پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم (۱۸) بدترین مردم

ای علی! بدترین مردم، کسی است که مردم از ترس بدی هایش به او احترام کنند.

ای علی! بدترین مردم کسی است که آخرت خود را به دنیایش بفروشد. و بدتر از او، کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگران بفروشد.

ای علی! هر کس که مردم از زبان او بترسند، او از اهل آتش است.

ای علی! برترین جهاد، عمل کسی است که بامدادان بر می خیزد، در حالی که قصد ظلم کردن به کسی را ندارد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۲

۱۶۶ چند سخن

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

بلا را با دعا برطرف کنید. «۱»

سعادتمند، کسی است که از دیگران پند گیرد. «۲»

معصیتی که عقابش از تمام گناهان بیشتر است، دروغ گفتن است. «۳»

نیرومند، کسی است که بر نفس خویش پیروز گردد. «۴»

---

(۱) حدیث ۵۸۲۵، ج ۴، ص ۳۸۱.

(۲) حدیث ۵۷۷۷، ج ۴، ص ۳۷۷.

(۳) حدیث ۵۷۸۰، ج ۴، ص ۳۷۷.

(۴) حدیث ۵۷۸۷، ج ۴، ص ۳۷۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۳

۱۶۷ سفارش امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن حنفیه (۱)

امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت به پسرش محمد بن حنفیّه فرمود: فرزند عزیزم، هیچ شرفی والاتر از اسلام، هیچ کرامتی عزیزتر از تقوا، هیچ قلعه ای محکم تر از پارسایی، هیچ شفیعی موفق تر از توبه، هیچ لباسی زیباتر از خلعت عافیت، و هیچ گنجی غنی تر از قناعت نیست.

فرزند عزیزم، پندهای حکیمان را بپذیر، و در احکامشان تدبر کن.

حقایق و معارف دین را بیاموز، و در این باره تفقّه کن، زیرا فقیهان وارثان پیامبرانند.

و بدان که طالب علم در موضعی قرار دارد که اهل آسمان ها

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۴

و زمین، حتی پرندگان در فضای آسمان، و نهنگ در دریا برای او آمرزش می طلبد، و فرشتگان بالهایشان را به علامت رضایت از طلب علم برای طالب علم می گسترند.

و شرف دنیا و دست یافتن بهشت در روز قیامت، در علم نهفته است. زیرا فقیهان خود دعوت کنندگان به بهشت و راهنمایان به سوی خداوند تبارک و تعالی هستند.

فرزندم بدان! ارزش هر کس به نسبت دانش او است.

و شریفترین نوع بی نیازی، ترک آرزوهاست.

عذر کسی را که پوزش طلبد بپذیر، تا از شفاعت برخوردار شوی. «۱»

---

(۱) حدیث ۵۸۳۴، ج ۴،

ص ۳۸۴- ۳۹۲.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۵

۱۶۸ سفارش امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن حنفیه (۲) معاشرت

۱- از بهره های نیک انسان، همنشین صالح است.

۲- با اهل خیر همنشین باش تا از ایشان باشی.

۳- از اهل شرّ و کسانی که تو را- با کلمات زیبای باطل و سخنان بیهوده به هم بافته- از یاد خدای عزّ و جلّ و از یاد مرگ باز دارد، جدایی کن، تا از آنها دور باشی.

بدگمانی نسبت به خدای عزّ و جلّ بر تو غلبه نکند، زیرا بین تو و بین دوست تو، صلح و دوستی به جای نخواهد گذاشت «۱».

---

(۱) در توضیح این جمله گفته اند: هنگامی که از دوست مؤمن خود گناهی دیدی، این گمان بد بر تو غلبه نکند که خداوند، او را نمی آمرزد، امّا تو را می بخشد. زیرا در این حال، دوستی بین تو و برادر دینی تو باقی نمی ماند.

(حاشیه من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۵)

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۶

۴- به تمام مردم نیکی کن، چنانچه دوست داری که با تو احسان کنند.

۵- هر چه برای خود می پسندی، برای تمام مردم بپسند.

۶- هر چه برای دیگران زشت می دانی، برای خود نیز قبیح بدان.

۷- اخلاق خود را با همه مردم نیکو گردان، تا هنگامی که از آنان غایب هستی، به دیدار تو مشتاق گردند. و چون درگذشتی، بر تو بگریند و بگویند:

انا لله و انا الیه راجعون.

و از آنان مباش که در هنگام مردن آنها، مردم بگویند:

الحمد لله رب العالمین.

۸- بدان که در رأس عقل، بعد از ایمان به خدای عزّ و جلّ، مدارا با مردم است.

۹- خیری نیست در کسی که، با کسانی که ناگزیر

از معاشرت با آنهاست، با خوبی همزیستی ندارد، (باید چنین کند) تا زمانی که خداوند برای رهایی از چنین شخصی راهی قرار دهد.

زیرا که من تمام آنچه مردم به سبب آن با هم زندگی و معاشرت می کنند، در پیمانه ای یافتم که دو ثلث آن نیکو دانستن

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۷

مردم است. و یک ثلث آن تظاهر به غفلت از کارهای آنها است.

۱۰- تا می توانی به همنشین خود نیکی کن، چرا که هر وقت خواستی رشد او را می بینی.

۱۱- به دلیل رفاقت با برادر دینی، حقّ او را ضایع مکن، چرا که هر کس حقّ او را ضایع کردی، برادر تو نیست.

۱۲- برادر دینی تو نیز نباید در قطع روابط با تو بیشتر بکوشد از پیوندی که با او داشته ای.

و نباید در بدرفتاری با تو، نیرومندتر باشد، از احسانی که به او نموده ای.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۸

۱۶۹ سفارش امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن حنفیه (۳) سخن

۱- خدای عزّ و جلّ، زیباتر و زشت تر از «کلام» نیافریده است.

۲- با «سخن»، روی ها سفید می گردد. و با «سخن»، روی ها سیاه می شود.

۳- بدان که زمان کلام در اختیار تو است، تا زمانی که سخن نگفته ای، امّا هنگامی که سخن خود را گفتی، اسیر آن هستی.

۴- زبان خود را نگاه دار، همچنان که طلا- و پول خود را نگاه می داری. زیرا زبان، سگی گزنده است، که اگر آن را آزاد گذاشتی، دیگران را آزار می دهد.

۵- چه بسا کلمه ای که نعمتی را می گیرد.

۶- هر کس زمام زبان را آزاد گذارد، زبان او را به هر گونه بدی و فضیحت می کشاند. آنگاه در حالی می میرد که خدای عزّ و جلّ را

به خشم آورده و مردم را به سرزنش خود واداشته است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۳۹

۱۷۰ سفارش امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن حنفیه (۴) رزق و روزی

فرزندم! رزق، دو گونه است:

آن روزیی که تو می طلبی، و رزقی که تو را می طلبد، و اگر نزد آن نروی نزد تو می آید.

پس همّ و تلاش یک سال خود را بر همّ یک روز خود حمل مکن. هر چه در هر روز هست، برای همان روز تو را کفایت می کند.

پس اگر یک سال از عمر تو باشد، خدای عزّ و جلّ در هر روز، رزقی جدید که قسمت تو کرده به تو می رساند و اگر آن سال از عمر تو نباشد، با غمّ و همّ آنچه واجد آن نیستی، چه می کنی؟

و بدان که هیچ جوینده ای در روزی تو، بر تو سبقت نمی گیرد، و هیچ کس در این مورد بر تو غالب نمی شود. و آنچه

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۰

برایت مقدّر نشده، از تو پوشیده نمی ماند.

چه بسیار دیده ای که جوینده ای خود را به رنج و تعب می اندازد، در حالی که رزق او بر او تنگ است.

و چه بسا افرادی که در طلب روزی میانه روی کنند، لیکن مقدّرات با ایشان همراه می شود. و بالاخره تمام اینان، می میرند.

«امروز» در اختیار تو است، در حالی که یقین نداری به «فردا» می رسی.

بسا کسانی که به پیشواز روزی می روند، ولی به پایانش نمی برند. در اوّل شب به چنین کسی غبطه می خورند، و در آخر همان شب در مرگ او می گریند. پس طول زمان نعمت ها و تأخیر انتقام الهی تو را فریب ندهد، زیرا هر کس از فقدان نعمت ها بترسد، قبل از مرگ، به عقوبت، تعجیل می نماید.

گلچین

صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۱

۱۷۱ سفارش امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن حنفیه (۵) هشدار!

بـدان که مهلکه ها، و لغزشـگاهها، و پلها، و تنگه های سـختی در پیش رو داری، که ناگزیر به آن می رسـی. و هر کس نیز به آن می رسد، یا به بهشت می رسد یا به جهنم. پس مسیر خود را روشن ساز، قبل از اینکه به آن برسی.

اگر کسـی از اهـل نیـاز را یـافتی که توشه تو را به سوی قیـامت بردارد، و در فردای قیـامت- که به او نیـاز داری- به کمک تو بشـتابد، او را مغتنم بـدان، و بار خود را بر دوش او بگـذار. و بکوش که تا می توانی توشه او را بیشتر کنی، زیرا چه بسا که در آینده در پی او بگردی، اما او را نیابی. «۱»

---

(۱) کنایه از آن که، به اهل نیاز، تا آنجا که می توانی کمک نما. که این کمک تو در این دنیا، فردای قیامت به تو می رسد. و این فرد محتاج، مانند رساننده توشه تو در آخرت می باشد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۲

و مبادا برای برداشـتن بار آخرت خود، از کسانی کمک بگیری که ورع و امانت ندارنـد. چرا که در آن حال، مثل تو، مثل آن تشـنه ای است که سـرابی دیـده، (به سوی آن می شـتابد) تا به آن برسـد؛ ولی وقتی برسـد، هیچ چیز نمی بیند. پس در قیامت، پیوند تو با او قطع می گردد.

ساعتها، عمر تو را به پایان می برند.

لذّتی که پس از آن، آتش جهنم باشد، خیری در آن نیست.

و خیری که پس از آن، آتش جهنم باشد، خیر نیست.

شرّی که پس از آن، بهشت باشد، شرّ نیست.

هر نعمتی در برابر بهشت، حقیر

است.

و هر سختی، نسبت به آتش جهنم، آسانی است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۳

۱۷۲ آسایش بخیل

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

پنج چیز، به گونه ای است که من می گویم:

اول- هیچ بخیلی را آسایش نیست.

دوم- هیچ حسودی را لذتی نیست.

سوم- هیچ برده ای را وفائی نیست.

چهارم- هیچ دروغگوئی را مردانگی نیست.

پنجم- هیچ سفیهی به ریاست (حقیقی) قومی نخواهد رسید «۱».

---

(۱) حدیث ۵۸۳۸، ج ۴، ص ۳۹۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۴

۱۷۳ سکوت

امام صادق علیه السلام فرمود:

خاموشی، گنجی کاهش ناپذیر، و آرایش حلیم، و پوشش جاهل است.

و نیز فرمود:

سخن گفتن به حق، بهتر از سکوت بر باطل است «۱».

---

(۱) حدیث ۵۸۴۳ و ۵۸۴۴، ج ۴، ص ۳۹۶.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۵

۱۷۴ هدایت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:

بهترین هدایت، هدایت محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم است.

بهترین توشه، تقوی است.

بهترین علم، علمی است که سود ببخشد.

زینت سخن، راستگویی است.

زینت علم، احسان است.

عظیمترین خطاکاران نزد خداوند، زبان دروغگوست.

بهترین زینت مرد، وقار توأم با ایمان است ... «۱» و «۲»

---

(۱) این حدیث طولانی است، که منتخبی از آن برگزیده شده است.

(۲) حدیث ۵۸۶۸، ج ۴، ص ۴۰۲- ۴۰۳.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۶

۱۷۵ انسان، فقیرترین فقرا

امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی نزد امام حسین علیه السلام رفته و عرض کرد:

ای پسر رسول خدا! چگونه صبح کردی؟

حضرت فرمود: در حالی صبح کردم که پروردگار بالای سرم، و دوزخ پیش رویم قرار داشت، و مرگ مرا می طلبید، و

حساب از هر سو مرا فراگرفته، و من در گرو عمل خویشم.

نه آنچه را دوست دارم، می یابم. و نه به دفع آنچه ناپسند می دارم، قادرم. و کارها همگی به دست غیر من است.

اگر خدا بخواهد، مرا عذاب می فرماید. و اگر بخواهد از من در می گذرد.

پس کدامین فقیر، از من فقیرتر است؟! «۱»

---

(۱) حدیث ۵۸۷۳، ج ۴، ص ۴۰۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۷

۱۷۶ انواع خیر

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

تمام خیر در سه خصلت گرد آمده است:

۱- نگاه کردن: پس هر نگاهی که عبرتی در آن نباشد، سهو است.

۲- خاموش بودن: هر خاموشی که در آن فکر نباشد، غفلت است.

۳- سخن گفتن: هر سخنی که در آن ذکری نباشد، لغو است.

پس خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت، سکوتش فکرت و سخنش ذکر است، و بر گناه خود بگرید و مردم از شرّش در امان باشند «۱».

---

(۱) حدیث ۵۸۷۶، ج ۴، ص ۴۰۵.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۸

۱۷۷ پهلوان

روزی حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم از کنار گروهی می گذشت. آنها در حال مسابقه بودند تا سنگی را بردارند.

فرمود: منظورتان از این کار چیست؟

گفتند: قصد داریم نیرومندترین خودمان را پیدا کنیم.

فرمود: می خواهید نیرومندترین شما را نشان دهم؟

گفتند: بلی یا رسول اللّٰه.

فرمود: نیرومندترین و مقاومترین شخص در میان شما، کسی است که در حال خوشنودی، خوشنودی او باعث گناهی نشود. و در حال خشم، حق را بگوید. و چون مالک امری شد، چیزی که متعلق به خودش نیست، غصب نکند «۱».

---

(۱) حدیث ۵۸۸۲، ج ۴، ص ۴۰۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۴۹

۱۷۸ ای آدم!

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: جبرئیل علیه السلام بر حضرت آدم علیه السلام نازل شد، و عرضه داشت:

ای آدم! من مأمور شده ام که تو را در انتخاب یکی از سه خصلت مخیّر کنم، پس یکی از آنها را انتخاب کن.

آدم علیه السلام فرمود: آن سه چیز کدام است؟

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: عقل، حیاء و دین.

آدم علیه السلام فرمود: عقل را برگزیدم.

جبرئیل علیه السلام به حیاء و دین عرض کرد: در پی کار خود روید.

ولی آن دو گفتند: ای جبرئیل! ما مأموریم که هر کجا عقل باشد، با او باشیم.

جبرئیل عرضه داشت: در این صورت به مأموریت خود عمل کنید.

و آنگاه صعود نمود «۱».

---

(۱) حدیث ۵۹۰۶، ج ۴، ص ۴۱۶- ۴۱۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۰

۱۷۹ قمار

امام رضا علیه السلام فرمود:

چون سر امام حسین علیه السلام را به سوی شام بردند، یزید لعنه اللّه علیه فرمان داد تا آن را در محلی نهادند، و سفره ای بر آن انداختنـد، آنگاه یزیـد و یارانش (لعنه اللّه علیهم) بـدان سو آمدنـد و به خوردن طعام و نوشـیدن فقّاع (آبجو) مشـغول شدند. و چون از خوردن و نوشیدن فارغ گشتند، دستور داد تا آن سر مطهر را در طشتی زیر تختش قرار دادند و کاغذ قمار بازی «۱» را بر روی آن طشت نهادند، یزید لعنه اللّه علیه مشغول بازی شد و در حین بازی حسین بن علی علیه السلام و پدر و جدش علیهم السـلام را مورد اسـتهزاء قرار می داد. و هر زمـان که در قمـار از حریف خود می برد، ظرف فقّاع را می گرفت و سه جرعه می نوشید و

---

(۱) در متن حدیث، نوع

نام خاصّی از قمار آمده است. به اصل حدیث رجوع شود.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۱

باقی مانده آن را کنار طشت می ریخت.

پس هر کس از شیعیان ما باشد، باید از قماربازی و نوشیدن فقّاع خودداری کند.

و هر کس که به فقّاع یا صفحه قماربازی بنگرد، می باید حسین علیه السلام را به یاد بیاورد و یزید و آل یزید را لعنت کند.

که خداوند متعال در برابر این عمل پسندیده او، گناهان او را، اگر چه به شماره ستارگان باشد محو می کند «۱».

---

(۱) حدیث ۵۹۱۵، ج ۴، ص ۴۱۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۲

۱۸۰ پیر مرد

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

زمانی که امیر المؤمنین علیه السـلام با یارانش، خود را برای جنگ با دشمنان آماده می کردند، ناگهان پیر مردی که آثار سفر در چهره اش نمایان بود وارد شد و گفت:

امیر المؤمنین کجاست؟

یاران گفتند: اینجاست.

پیر مرد سـلام کرد و گفت: من پیری سالخورده ام، از ناحیه شام آمده ام، و از فضایل شما چیزهای زیادی شنیده ام، از آموخته هایت به من بیاموز.

حضرت فرمود: کسی که دو روز از ایام زندگیش یکسان باشد، مغبون است.

کسی که تمام خواسته اش دنیا باشد، هنگام فراق آن (مرگ) حسرتش فراوان می شود.

و کسی که فردایش بدتر از دیروزش باشد محروم است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۳

و کسی که چون دنیایش سالم باشد، از آخرتش نترسد و بدان بی اعتنا باشد، هلاک شونده است ....

ای پیر مرد! برای مردم، همـان بپسـند که برای خودت می پسـندی. و به گونه ای بـا مردم، بر خورد کن که دوست داری بـا تو برخورد کنند ....

در این حال، زید بن صوحان عبدی سؤالاتی

پرسید. از جمله اینکه:

گفت: یا امیر! کدام عمل برتر است؟

فرمود: تقوا.

گفت: کدام معاش، برای آدمی بدتر است؟

فرمود: آن که معصیت خدا را برای تو بیاراید.

گفت: چه کسی از مردمان راستگوتر است؟

فرمود: کسی که در موارد سخت هم راست بگوید ...

آنگاه امیر المؤمنین علیه السلام خطاب به آن پیر مرد فرمود:

ای پیر مرد! خداوند عزّ و جلّ خلقی آفرید، و چون به آنها نظر داشت، دنیا را برایشان تنگ ساخت، از این رو آنان نسبت به دنیا و متاع آن بی رغبت شدند. و به دار السلام- که آنان را دعوت کرده بود- راغب گشتند. بر سختی معیشت و وضع ناگوار صبر کردند. جانهایشان را در راه طلب خشنودی خدا بذل کردند و پایان اعمال ایشان شهادت بود.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۴

این بزرگواران می دانستند که راه گذشتگان و آیندگان همگی مرگ است، پس برای آخرتشان توشه ای غیر از طلا و نقره آماده ساختند، و حبّ و بغض خود را در راه رضای خدا بذل کردند.

ایشان چراغهای هدایت و اهل نعمت در سرای آخرتند.

پیر مرد گفت: یا امیر! من کجا بروم، در حالی که بهشت را با تو و اهل تو می بینم؟ مرا به نیرویی مجهز کن که بر ضد دشمنت به کار بندم.

امیر المؤمنین علیه السلام اسبی و سلاحی به او داد. پیر روشن ضمیر، روانه میدان کارزار شد و دلیرانه شمشیر زد.

حضرت امیر سلام اللّٰه علیه از پیکار این پیرمرد در شگفت بود.

چون کار جنگ شدت گرفت، به قلب سپاه دشمن حمله برد، تا اینکه به شهادت رسید.

یکی از یاران حضرت علی علیه السلام در پی او روان شد، و دید

که پیکر پاکش به خاك و خون آغشته است.

بعد از اتمام جنگ، حضرت بر او نماز گزارد و فرمود:

به خدا قسم، این همان سعادت واقعی است. و این همان سعادتمند حقیقی است. «۱» و «۲»

---

(۱) این حدیث، با تلخیص آمده است.

(۲) حدیث ۵۸۳۳، ج ۴، ص ۳۸۱- ۳۸۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۵

۱۸۱ شأن نزول سوره قدر

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم در عالم رؤیا مشاهده نمود که بنی امیّه از منبرش بالا می روند و مردم را از صراط هدایت به راه ضلالت می برند. از این رو، شب را اندوهگین به صبح رسانید.

جبرئیل علیه السلام بر او نازل شد و عرض کرد:

یا رسول الله! چرا تو را محزون می بینم؟

فرمود: ای جبرئیل! دیشب خواب دیدم که بنی امیه از منبرم بالا می روند و مردم را گمراه می کنند.

جبرئیل عرض کرد: به آن خدایی که تو را بر حق به نبوّت مبعوث کرده است، من اطلاعی بر آن نداشتم.

سپس به آسمان عروج کرد. و دیری نگذشت که با آیه ای از قرآن فرود آمد. و آن آیه این بود:

أَ فَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جاءَهُمْ ما كانُوا

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۶

يُوعَدُونَ ما أَغْنى عَنْهُمْ ما كانُوا يُمَتَّعُونَ «۱».

«آیا در این باره اندیشیده ای که اگر ما، سالها ایشان را از لذّات حیات بهره مند سازیم و پس از آن، عذاب موعود بر ایشان فرود آید؛ آن برخورداری از طول عمر و خوشگذرانی، چیزی از عذاب خدا را از ایشان دفع نمی کند.» و همچنین سوره قدر را بر آن حضرت نازل کرد، که خدا در این سوره، شب قدر را برای پیامبرش بهتر

از هزار ماه سلطنت بنی امیه قرار داد «۲».

---

(۱) سوره شعراء، آیات ۲۰۵- ۲۰۷.

(۲) حدیث ۲۰۲۲، ج ۲، ص ۱۵۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۷

۱۸۲ رحمت خدا

حفص بن غیاث گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

روزی حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام با اصحاب خود برای خواندن دعای طلبیدن باران از شهر بیرون رفت.

در راه خود، مورچه ای را دید که دست (یا یکی از دست و پاهای خود را) به سوی آسمان بلند کرده و می گوید:

بار خدایا! ما مورچگان، مخلوق توایم. و درمانده روزی توایم، ما را به خاطر گناهانی که فرزندان آدم و انسانها مرتکب شده اند، هلاک مکن.

حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام به همراهان خود فرمود:

باز گردید، که شما را به طفیل دیگران، و استجابت دعای آنان سیراب خواهند کرد «۱»

---

(۱) حدیث ۱۴۹۰، ج ۱، ص ۵۲۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۸

۱۸۳ رحمت خداوند بر عموم بندگان، حتی کافران

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

یاران و لشکریان فرعون نزد او آمده و به او گفتند:

آب نیل فرو نشسته و اگر ادامه یابد، همگی هلاک خواهیم شد.

فرعون گفت: امروز به سراغ کارهایتان باز گردید.

هنگامی که شب شد، فرعون به میان رود نیل رفت و دستهایش را به سوی آسمان بلند کرد و به دعا پرداخته و گفت:

«بار خدایا! تو خود نیک با خبری که من می دانم هیچ کس جز تو نمی تواند آب نیل را بگرداند، پس تو خود، نیل را پر آب گردان.»

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۵۹

چون صبح شد، نیل لبالب از آب گردیده و امواج آن روی هم غلطید. «۱» و «۲»

---

(۱) خداوند استجابت دعا را مقیّد به ایمان و عدالت شخص داعی نکرده است، بلکه حاجت هر حاجتمندی را برآورده می کند. همان گونه که خود فرموده است:

«ادعونی استجب لکم» مرا

بخوانید که استجابت می کنم (دعای) شما را.

نکته دیگر که در اینجا باید متذکر گردید آن است که، خداوند تبارک و تعالی دارای یک صفت بخشندگی است که عموم بندگان را شامل می شود. که آن صفت رحمانیت حضرت حق جل جلاله است، و یک صفت بخشندگی دیگر نیز دارد که فقط شامل حال مؤمنان و مطیعان اوامر حضرتش می گردد. و آن صفت، صفت رحیمیّت خدای عزّ و جلّ می باشد.

«و العلم عند اللّه و العاقبه لاهل التقوی و الیقین»

(۲) حدیث ۱۴۹۹، ج ۱، ص ۵۲۶.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۰

۱۸۴ نکوهش درخواست از دیگران

گروهی از انصار نزد رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم آمدند و گفتند:

یا رسول اللّه! ما از شما خواهش و حاجتی داریم.

فرمود: حاجتتان چیست؟

گفتند: حاجتی عظیم است.

فرمود: بگوئید، چیست؟

گفتند: بهشت را برای ما ضمانت کنی.

حضرت سر به زیر افکند و چند لحظه با سر انگشتان آهسته بر زمین زد، آنگاه سر برداشت و فرمود:

«این کار را در حق شما می کنم، مشروط به اینکه چیزی از کسی نخواهید و هیچ گاه از دیگران درخواست نابه جا نکنید.» راوی می گوید:

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۱

گاهی اتفاق می افتاد که مردی از آن جمع در سفر بود و تازیانه اش از دستش می افتاد، از بالای شتر پایین آمده و خود آن را برمی داشت. و گاهی چنین رخ می داد که، در کنار سفره نشسته بود و دیگری به ظرف آب نزدیکتر بود، ولی خود بر می خاست و آب می نوشید «۱».

(۱) حدیث ۱۷۵۸، ج ۲، ص ۷۱.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۲

۱۸۵ راز وضو، نماز و حجّ

محمد بن قیس گوید:

در مکه در میان جمعی از مردم از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلم، نماز صبح را با اصحاب خود به جای آورد. و سپس مشغول گفتگو با آنان شد تا هنگامی که خورشید طلوع کرد. و همه افراد پراکنده شدند، به جز دو نفر. یکی از انصار، و دیگری از ثقیف.

در این هنگام پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود:

من می دانم شما دو نفر سخن و حاجتی دارید. اگر می خواهید من پیش از خودتان حاجتتان را بگویم، و یا می خواهید خودتان درخواست

کنید.

آن دو گفتند: یا رسول اللَّه! شما خبر دهید، که این نابینایی (دل) را بهتر زائل می سازد، و ما را از شکّ و تردید، بیشتر دور می کند. و ایمان (ما) را محکمتر می سازد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۳

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله فرمود: تو ای مرد انصاری! فردی شهرنشینی، و این مرد ثقیفی، فردی چادرنشین است. آیا اجازه می دهی، اول سؤال این مرد ثقیفی را پاسخ گویم؟

مرد انصاری گفت: بلی.

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم رو به مرد ثقیفی کرده و فرمود:

تو آمده ای تا در باره وضو و نمازت و فواید آنها سؤال کنی.

امّا بدان، هنگامی که دست خود را به آب می رسانی و «بسم اللَّه الرحمن الرحیم» می گویی، گناهانی که دستهایت مرتکب شده، فرو می ریزد.

چون آب را به صورتت می ریزی، و صورت خود را می شویی، گناهانی که چشمت با نگریستنشان، و دهانت با سخن گفتن مرتکب شده اند، بخشوده می شود.

زمانی که بر دستهایت، آب می ریزی و دستهایت را می شویی، گناهان از تو پراکنده می گردند.

چون سر و پاهایت را مسح می کشی، گناهانی که با پاهایت به دنبال آنها رفته ای، فرو می ریزد.

و هنگامی که نماز می خوانی و ... و سلام می دهی، هر گناهی که میان نماز قبلی و این نماز اخیر از تو سرزده، آمرزیده می شود

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۴

و این یکی از فواید نماز است.

و بعد از آن، حضرت رو به مرد انصاری کرد و فرمود:

سؤال تو، در باره حج و عمره و نتایج آن است.

هنگامی که تو برای به جای آوردن حجّ، بر مرکب سوار می شوی، و خدا را یاد می کنی،

خداوند تعالی، برای هر گامی که مرکب تو بر می دارد، برای تو ثواب می نویسد و گناهی را محو می کند.

هنگامی که احرام می بندی، و لبیک می گویی، خداوند برای هر لبیک تو، ده حسنه می نویسد و ده گناه را محو می کند.

زمانی که هفت بار به دور خانه خدا طواف می کنی، عهدی با خدا می بندی که بر پایه آن عهد، خدای عزّ و جلّ حیا می فرماید از اینکه تو را پس از آن عذاب کند.

زمانی که در محل مقام ابراهیم، دو رکعت نماز گذاری، خداوند پاداش دو هزار رکعت نماز مقبول برای تو منظور می کند.

چون هفت بار بین صفا و مروه را سعی بجا می آوری، مانند پاداش کسی که پیاده از شهر خود به قصد حجّ حرکت کرده است، پاداش می دهد. و ثواب آزاد کردن هفتاد برده مؤمن را برای تو می نویسد.

چون تا هنگام غروب در عرفات توقف کنی، خداوند همه گناهان تو را می بخشد. اگر چه برابر ریگ های بیابان عالج و کف دریا باشد.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۵

و زمانی که جمرات را رمی کنی، «۱» در برابر هر سنگریزه ای، ده حسنه برای تو می نویسد.

زمانی که سر خود را می تراشی، در برابر هر تار موئی برای تو، حسنه می نویسد.

چون قربانی کنی، در برابر هر قطره از خون قربانیت، حسنه ای برای تو خواهد بود.

چون هفت بار اطراف خانه خدا را طواف کردی، و در کنار مقام ابراهیم علیه السلام، دو رکعت نماز گزاردی، «۲» ملکی بزرگوار بر دو کتف تو می زند و می گوید:

«تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد. حال عمل خود را، پس از صد و بیست روز دیگر از سر گیر «۳».»

---

(۱) رمی کردن:

پرتاب سنگ را می گویند.

رمی جمرات: یکی از اعمالی است که حاجیان انجام می دهند.

(۲) پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم، بعضی اعمالی را که در حجّ باید به جای آورد به ترتیب بیان فرموده است.

(۳) حدیث ۲۱۳۸، ج ۲، ص ۲۰۲- ۲۰۳.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۶

۱۸۶ کیفر فوری

روزی امام جعفر صادق علیه السلام از کنار کوه «ثافل» «۱» می گذشت، رو به اطرافیان کرد و فرمود:

زمانی که یزید بن معاویه از سفر حج به سوی شام بازمی گشت، وقتی به این کوه رسید، شعری را خواند که مضمونش این است:

«من تا زنده باشم، برای انجام مناسک حج یا عمره، به اینجا باز نخواهم گشت». «۲»

---

(۱) نام دو کوه از کوههای تهامه است، به نامهای ثافل اکبر و ثافل اصغر. (معجم البلدان).

(۲) یزید بن معاویه که لعنت خدا بر او باد. این شعر را به خاطر اهانت به خانه خدا و اهانت به مراسم حجّ، خواند.

چرا که خاندان بنی امیّه، اعمال حجّ را به خاطر، ظاهر سازی و نمایش مسلمان بودن خود، انجام می دادند. و در دل و در باطن اعتقاد به آن نداشتند. نه تنها ایشان، اعتقاد به اعمال حج نداشتند، بلکه به هیچ یک از مبانی اسلامی اعتقاد نداشتند. و ظاهر اسلامی را برای حکومت کردن، حفظ می نمودند: همان طور که بزرگ ایشان نیز ابو سفیان لعنه اللَّه علیه، در وصیّت خود به معاویه چنین گفت:

لا جاء خبر و لا وحی نزل.

نه وحیی از جانب خدا نازل شده و نه خبری آمده است.

و بدینسان اعتقاد باطنی خود و کفر ضمیر خود را آشکار نمود.

همان گونه تاریخ نیز، اعمال کثیف و

شنیع ایشان را در زمان حکومتشان ثبت و ضبط نموده است. و لکّه ننگی در تاریخ از خود باقی گذاشته اند.

(لعنه اللّه علیهم اجمعین)

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۷

و خداوند عزّ و جلّ، او را قبل از اینکه اجلش سرآید، هلاک گرداند. «۱» و «۲»

---

(۱) در معجم البلدان آمده است که:

عمر- پسر یزید بن معاویه- نیز به حج رفت و هنگام باز گشت، این سخن زشت را بر زبان راند. سپس صاعقه ای به او اصابت کرد و او را سوزاند.

(۲) حدیث ۲۲۲۵، ج ۲، ص ۲۲۰.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۸

۱۸۷ داستان کعبه

زمانی که حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام، مناسك حج را انجام داد، خداوند به او فرمان بازگشت داد.

از مدتی، حضرت هاجر مادر حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام وفات یافت. و حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام او را در «حجر» «۱» دفن کرد. و بر قبرش سنگ چینی درست کرد تا اینکه قبر او پوشیده نگردد.

حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام، تا سال بعد که پدرش حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام، برای ادای حج بازگشت، تنها بود. قبایل عرب نیز این خانه را که تلّی از خاك بود، اما چهارچوب آن معیّن بود؛ عزیز می داشتند. تا اینکه حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام، از جانب خداوند اجازه یافت تا خانه کعبه را بازسازی نماید.

در هنگامی که حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علی

---

(۱) محلی که در فاصله نزدیکی به خانه کعبه واقع است.

گلچین صدوق (گزیده من لا

یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۶۹

نبینا و آله و علیهما السلام، آوارها را از محل کعبه دور می کردند، ناگهان به سنگی سرخ رنگ برخوردند. در این وقت از جانب خداوند فرمان رسید که:

«بنای خانه را بر آن سنگ سرخ قرار ده.» خداوند، چهار فرشته را نیز به یاری آنان فرستاد. فرشتگان سنگها را به دست حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیهما السلام می دادند ... و حضرت ابراهیم و اسماعیل علی نبینا و آله و علیهما السلام سنگها را روی هم قرار می دادند، تا اینکه ساختمان کعبه به دوازده ذراع رسید. وقتی به محل نصب «حجر الاسود» «۱» رسیدند، از جانب کوه ابو قبیس، بانگی بر آمد که:

«ای ابراهیم! تو نزد من، امانتی داری.» و فرشتگان «حجر الاسود» را به او دادند تا در موضع خود نصب کنند.

حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام برای خانه کعبه، دو در قرار داد. یکی برای داخل شدن و دیگری برای خروج. و خانه کعبه در آن زمان بدون پرده بود.

---

(۱) سنگی است که خداوند، از بهشت برای نصب در خانه کعبه، فرو فرستاده است. و اکنون در یکی از گوشه های خانه کعبه، قرار گرفته است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۷۰

حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام، بعد از پایان بنا، به نزد خانواده خود بازگشت. ولی حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام همچنان در مکّه، تنها باقی ماند و (پس از مدّتی) در همان جا تشکیل خانواده داد.

روزی حمیریه همسر حضرت اسماعیل علیه السلام، که بانویی خردمند بود به حضرت اسماعیل علی نبینا

و آله و علیه السلام گفت:

آیا من می توانم، دو پرده برای این خانه آماده کنم؟

حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام فرمود: بله.

حمیریه، دو پرده برای خانه کعبه آماده کرد. حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام این دو پرده را که هر کدام به طول دوازده ذراع بود، بر دو در خانه کعبه آویخت.

حمیریه گفت: آیا اجازه می دهی که برای خانه کعبه، جامه هایی نیز ببافم که این سنگها را نیز بپوشاند؟

حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام فرمود: بله.

همسر حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام، جامه ها را به سرعت می بافت و برای یافتن آنها از قبیله خود نیز، کمک می گرفت.

حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام هر جامه ای را که بافته می شد، بر قسمتی از دیوار می آویخت. تا این که زمان حجّ فرا رسید و هنوز قسمتی از دیوار کعبه بدون پوشش باقی مانده بود. حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام و همسرش، پس از تبادل نظر تصمیم گرفتند آن قسمت را با

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۷۱

حصیری بپوشانند.

در مراسم حجّ، عربها که هر کدام از قبیله ای خاص بودند؛ چون خانه کعبه را دیدند، خشنود و شگفت زده شدند. و هر کدام هدیه ای برای کعبه آوردند. سپس حصیر را برداشته و پوشش کعبه را کامل کردند، دو در نیز به درگاه ها نصب کردند.

خانه کعبه نیز سقف نداشت، و حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام با شاخه هایی مانند تیرکهای چوبی، سقفی برای آن ساخت و با گل روی آن را پوشانید.

موسم حجّ که در

سال بعد فرا رسید و قبایل عرب، خانه کعبه را این چنین دیدند، گفتند:

باید هدایایی نیز، برای آبادکننده این خانه بفرستیم.

هدایا به قدری زیاد بود که حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام نمی دانست با آنها چه باید کند؟

به او وحی رسید که، شتران را نحر کند و حاجیان را با گوشت آن اطعام نماید.

و زمانی که آب چاه زمزم قطع شد، حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام به حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام شکایت کرد، به حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام وحی رسید که زمین را حفر کنید.

حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل و جبرئیل علی نبینا و آله و علیهم السلام مشغول حفر زمین شدند تا به آب زمزم رسیدند. (به آب کثیری از زمزم رسیدند.)

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۷۲

حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام با کلنگ بر چهار گوشه چاه، ضربتی زد. در هر نوبت که بر زمین ضربه می زد، نام خدا را می برد. ناگهان چهار چشمه از زمین جوشید.

جبرئیل علی نبینا و آله و علیه السلام به حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام فرمود:

از این آب بنوش، و برای فرزندانت از این آب برکت بخواه.

بر خود بپاش و اطراف این خانه را طواف کن، چون این سرچشمه ای است که خداوند تعالی، آن را برای اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام و فرزندانش روان ساخته است.

و در خصوص آن خداوند می فرماید:

فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ.

در آن خانه، آیات روشنی از جمله، مقام ابراهیم [علی نبینا و آله

و علیه السلام] است.

یکی دیگر از این آیات: جای پای حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام است، زمانی که بر روی سنگ ایستاد، جای پای آن حضرت بر روی سنگ حک شد.

دوم: حجر الاسود.

سوم: منزل حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام است «۱».

---

(۱) حدیث ۲۲۸۲، ج ۲، ص ۲۳۲- ۲۳۴.

۱۸۸ رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و نصب حجر الاسود

سعید بن عبد اللَّه اعرج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

قریش در زمان جاهلیّت، خانه کعبه را ویران کردند، و هنگامی که خواستند آن را بنا کنند، بیم و هراس به دلهایشان افتاد. تا اینکه یکی از ایشان گفت:

باید پاکیزه ترین اموال را که از راه حرام به دست نیامده باشد، بیاوریم.

پس دست به کار شدند و شروع به ساختن کردند. تا اینکه به محل نصب «حجر الاسود» رسیدند. بین ایشان برای نصب «حجر الاسود» مشاجره ای در گرفت، به طوری که نزدیک بود در میان آنان فتنه ای به پا شود.

تصمیم گرفتند نخستین کسی که وارد مسجد شود، حکم در بین آنها باشد.

در این هنگام، پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم وارد مسجد

شد. چون ماجرا را به اطلاع حضرتش رساندند، فرمود تا پارچه ای آوردند و سنگ را در آن قرار داد. و سپس فرمود تا سران قبائل اطراف آن را گرفتند و آن را از زمین برداشتند. و خود رسول اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم آن را برداشت و سنگ را در جای خود قرار داد.

(و بدین سان) خدای عزّ و جلّ این فضیلت را به پیامبر خود اختصاص

داد «۱».

(۱) حدیث ۲۳۲۰، ج ۲، ص ۲۴۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۷۵

۱۸۹ اهانت به خانه کعبه

روزی «تبّع»، قصد کرد که اطرافیان خانه کعبه را بکشد، و اولاد ایشان را اسیر کرده، و کعبه را ویران سازد. پس از مدتی، چشمانش به شدّت درد گرفت و کور شد.

اطرافیان او گفتند: علّت این مشکل تو، فقط سوء نیّت تو نسبت به خانه کعبه است. چرا که این شهر، حرم خداست و این خانه، خانه خداست. و ساکنین آن از ذرّیه حضرت ابراهیم علیه السلام هستند.

«تبّع» از کار خود پشیمان شد و به فکر چاره افتاد.

پس از پشیمانی «تبّع» از کردار خود، چشمهای او بلافاصله سلامت یافت. و وی، همه کسانی را که او را به این عمل قبیح تشویق کرده بود، به قتل رسانید.

«تبّع» در عوض تدبیر نابجای خود، به خانه کعبه جامه های چرمین پوشانید. و مدت سی روز، مردم را اطعام کرد و هر روز

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۷۶

صد شتر قربانی می کرد. و پس از آن از مکّه به طرف مدینه رهسپار شد، و گروهی از اهل یمن (از طایفه غسّان) را در آنجا ساکن ساخت. که آن گروه، بعدها گروه انصار شدند «۱».

(۱) ج ۲، ص ۲۴۸ ذیل عنوان «کسانی که به خانه کعبه اراده سوء کردند».

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۷۷

۱۹۰ اقرار به گناه

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

در زمان خلافت امیر المؤمنین علیه السلام، جسد کشته ای را در یک خرابه پیدا کردند، که در کنارش نیز مردی با یک

چاقوی خونین بود. آن مرد را دستگیر کردند و نزد علی علیه السلام آوردند.

مرد گفت: من قاتلم.

در این هنگام، مرد دیگری از راه رسید و گفت:

من قاتلم، این مرد را رها کنید.

مرد

دوم را نیز گرفتند و هر دو را نزد علی علیه السلام بردند.

و همه ماجرا را بیان کردند.

امام به مرد اول فرمود: چرا خود را قاتل خواندی؟

وی پاسخ داد: من قصّابم و در کنار خرابه، گوسفندی ذبح می کردم که در خرابه مصادف با این قضیه شدم. و چون کاردم

خونین بود، هیچ چاره ای نداشتم که بگویم من قاتلم، تا از شرّ آزار مردم در امان باشم، تا حکم صادر شود.

حضرت رو به مرد دوم کرد و فرمود: تو چه می گویی؟

او گفت: من قاتلم.

پس امام علیه السلام فرمود: پسرم حسن [علیه السلام] را قاضی قرار دهید تا او حکم کند.

امام حسن علیه السلام، پس از شنیدن ماجرا فرمود:

[امّا مرد اول بی گناه است].

امّا مرد دوم، قاتل است. چون یکی را کشته، ولی دیگری را به سبب اقرار به گناهش، از مرگ نجات داده است. پس، از آنجایی که خداوند می فرماید:

«کسی که یک نفر را حیات بخشد، مانند کسی است که به همه مردم زندگی بخشیده است» «۱».

او را آزاد کنید. و دیه مقتول را از بیت المال مسلمین به اولیاء وی بدهید «۲».

---

(۱) و من احیاها فکأنما احیا النّاس جمیعا- سوره مائده، آیه ۳۲.

(۲) حدیث ۳۲۵۲، ج ۴، ص ۲۰- ۲۳.

۱۹۱ قضاوت امیر المؤمنین علی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

روزی علی علیه السلام وارد مسجد شد. و دید جوانی در حال گریه کردن است. حضرتش علت را جویا شد. جوان گفت:

یا علی! شریح قاضی حکمی کرده، که من نمی دانم باید چه کنم؟! آنگاه ماجرای خود را باز گفت.

او گفت: پدر من، با جمعی

از دوستان به سفر رفت، همگی سالم آمدند به جز پدر من که بر نگشت. من از آنان سراغ پدرم را گرفتم ایشان پاسخ دادند که در راه فوت کرده. از اموالش پرسیدم:

گفتند: چیزی به جای نگذاشته است.

آنها را نزد شریح بردم.

همگی نزد شریح قسم خوردند که حرفهایشان درست است.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۸۰

ولی من می دانم پدرم اموال زیادی را همراه خود به سفر برد.

حضرت فرمود: مجدّدا همه را نزد شریح ببرید.

همه را نزد شریح بردند. حضرت فرمود:

چگونه میان اینان حکم کردی؟

شریح همه ماجرا را بیان کرد و گفت:

این جوان شاهدی بر ادعایش (مال و ثروت پدر) نداشت. و همسفران نیز همگی قسم یاد کردند که او مالی از خود باقی نگذاشته است.

حضرت فرمود: هیهات! در چنین مسأله ای، این گونه حکم می کنی؟

شریح گفت: یا امیر المؤمنین! چگونه باید حکم کنم.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای شریح، به خدا سوگند! در میان آنان به گونه ای حکم کنم که هیچ کس قبل از من این گونه حکم نکرده است، مگر داود پیامبر علیه السلام.

آنگاه فرمود: ای قنبر! مأمورین مخصوص را خبر کن و هر یک از همسفران را به یکی از آنان بسپار ....

قنبر چنین کرد. حضرت (به تمامی آنها) فرمود:

آیا فکر می کنید من نمی دانم با پدر این جوان چه کرده اید؟

سپس فرمود، آنها را از یک دیگر جدا کنند و چشمانشان را ببندند، و هر یک را به ستونی از ستونهای مسجد ببندند.

دستور اجرا شد. آنگاه امام علیه السلام، کاتب خود- عبید اللَّه بن ابی رافع- را طلبید و فرمود:

قلم و دوات را

بیاور. و خود بر مسند قضاوت قرار گرفت و مردم اطراف آن حضرت جمع شدند. حضرت فرمود:

هر گاه من تکبیر گفتم، شما نیز بگویید. سپس به مردم فرمود:

راه را باز کنید.

آنگاه یک نفر از همسفران را صدا کرد و چشمانش را باز کرد. سپس به کاتب فرمود:

هر چه اقرار می کند، بنویس.

امام علیه السلام رو به مرد کرد و فرمود:

چه روزی با پدر این جوان از منزل خارج شدید؟ چه ماهی بود؟ چه ساعتی بود؟ در کجا پدر این جوان بیمار شد؟ چه بیماری داشت؟ چند روز بیماریش طول کشید؟ چه روزی درگذشت؟ چه کسی او را غسل داد؟ و ...

مرد همه سؤالها را پاسخ داد. پس حضرت علیه السلام تکبیر گفت. و مردم حاضر در مسجد، همگی تکبیر گفتند.

از صدای تکبیر، همسفران دیگر به شک افتادند که مرد اوّل همه چیز را آشکار کرده است.

آنگاه حضرت فرمود: چشمانش را ببندید و به سر جای اولش ببرید. و مرد دوم را بیاورید، پس چشمان مرد دوم را باز

کردند. و در مقابل امام علیه السلام نشاندند.

امام علیه السلام فرمود: تو فکر می کنی که من حقیقت را نمی دانم؟

مرد دوم گفت: یا امیر المؤمنین! من فقط یکی از این جماعت بودم و دوست نداشتم او را بکشند. آنگاه به تمام ماجرا، اقرار کرد.

تا اینکه همه همسفران نیز یکی یکی اقرار کردند به همان صورتی که مرد دوم اقرار به گناه کرد.

سپس حضرت فرمود تا اموال آن مرد را پس بدهند و خونبهای مقتول نیز از آنان گرفته شد.

پس از این قضیه، امیر المؤمنین علیه السلام، در مورد نوع قضاوت حضرت

داود علیه السلام، مطالبی مفصّل به شریح فرمود. «۱» و «۲»

---

(۱) تفصیل این مطلب، در متن حدیث آمده است.

(۲) حدیث ۳۲۵۵، ج ۳، ص ۲۴- ۲۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۸۳

۱۹۲ تبعیض بین فرزندان

امام محمد باقر صلوات اللَّه علیه فرمود:

در زمان رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم، مردی از انصار به نزد پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم آمد و عرض کرد:

یا رسول الله! شاهد باش که من نخلستانم را به این فرزندم بخشیدم.

حضرت فرمود: آیا فرزندی دیگر نیز داری؟

گفت: بله.

فرمود: به همه آنها نخلستانی مانند همین نخلستان بخشیده ای؟

گفت: نه پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود: ما سلسله پیغمبران به چنین ظلمی شاهد نمی شویم «۱».

---

(۱) حدیث ۳۳۴۹، ج ۳، ص ۶۹.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۸۴

۱۹۳ سزای مزاحمت

امام باقر علیه السلام فرمود:

سمره بن جندب، در زمان رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم زندگی می کرد. او یک درخت خرما در خانه یکی از مسلمین داشت. و به بهانه رسیدگی کردن به آن سرزده، و گاه و بی گاه، داخل آن خانه می شد.

صاحب خانه که از این موضوع ناراحت بود، نزد رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم شکایت نمود و عرض کرد:

یا رسول اللّه! سمره، بدون اجازه و سرزده به خانه من وارد می شود تا به درختش رسیدگی کند.

پیامبر، سمره را طلبید. و او حاضر شد. حضرت فرمود:

چرا بدون اجازه، وارد خانه مسلمان دیگری می شوی؟

ای سمره! اگر خواستی داخل خانه شوی، اجازه بخواه.

سمره قبول نکرد.

فرمود: آیا می خواهی بجای این درخت، نهالی در بهشت به

تو بدهند؟

گفت: نه فرمود: سه نهال چطور؟

گفت: نه حضرت فرمود: تو موجب زیان و آزار هستی.

و بعد به صاحب خانه فرمود:

برو و درخت او را بکن، و جلوی او بیانداز! «۱»

---

(۱) حدیث

۳۴۲۳، ج ۳، ص ۱۰۳- ۱۰۴.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۸۶

۱۹۴ داوری حضرت داود علیه السلام

امیر المؤمنین علیه السلام به شریح قاضی فرمود:

حضرت داود علیه السلام، روزی از مکانی می گذشت.

تعدادی کودک در حال بازی بودند که اسم یکی از آنان «مات الدّین» بود. حضرت داود علیه السلام پسر را صدا زد و فرمود:

اسمت چیست؟

پسر گفت: مات الدّین.

حضرت فرمود: چه کسی این نام را برایت گذاشته است؟

گفت: مادرم.

حضرت نزد مادر پسر رفت و فرمود: چه کسی اسم «مات الدّین» را بر پسرت گذاشته است؟

زن گفت: پدرش.

حضرت فرمود: چرا؟

زن گفت: هنگامی که من این فرزند را در رحم داشتم، پدر

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۸۷

این پسر همراه تعدادی از دوستانش به سفر رفتند. و زمانی که دوستانش باز گشتند، شوهر من با آنان نبود.

همسفران وی گفتند: که در راه فوت کرد و از مال دنیا هیچ نداشته است.

گفتم: آیا (هنگام مرگ) وصیتی نکرد؟

گفتند: چرا. وصیت کرد فرزندش اگر دختر یا پسر بود، در هر دو صورت نامش را «مات الدّین» بگذاری.

حضرت فرمود: آیا همسفران او همگی زنده هستند؟

گفت: بلی.

حضرت داود علیه السلام، همه همسفران را جمع کرد و در اتاقهای مختلف قرار داد و چشمان آنها را بست. آنگاه تک تک آنها را مورد سؤال و جواب قرار داد. همه آنان به گناه خود (قتل پدر مات الدّین و برداشتن ثروتش) اقرار کردند.

سپس حضرت داود پول و دیه قتل آن مرد را گرفته و به خانواده اش باز گرداند. و به مادر پسر فرمود:

نام پسرت را «عاش الدّین» بگذار «۱».

---

(۱) حدیث ۳۲۵۵، ج ۳، ص ۲۴- ۲۷.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲،

۱۹۵ دنیا و آخرت

امام صادق علیه السلام فرمود:

دنیا برای به دست آوردن آخرت، یاور نیکویی است.

و کسی که دنیای خویش را، به کلی برای آخرت ترک کند، از ما نیست.

همچنین کسی که آخرت خود را به دنیا بفروشد، او نیز از ما نیست «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۶۷ و ۳۵۶۸، ج ۲، ص ۱۵۶.

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۸۹

۱۹۶ تلاش، برای دنیا و آخرت

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

چنان برای زندگی دنیا تلاش کن که، گویا تا ابد زنده هستی.

و برای آخرت خویش، آنچنان کار کن، که گویی فردا از دنیا خواهی رفت «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۶۹، ج ۳، ص ۱۵۶.

* شاید، مراد، از کلام امام علیه السلام چنین باشد که:

در به دست آوردن دنیا، حریص مباش. و خود را به جمع کردن دنیا مشغول نساز. و برای فردای دنیای خود و روزهای آینده آن، روزهای دیگر هم هست که به دنبال دنیا بروی. و فرصت برای تهیه امور دنیا داری و تا ابد زنده هستی که برای دنیا تلاش نمائی و تمام همّ و تلاش خود را برای تحصیل آخرت، معطوف دار. و آن چنان باش که فردایی دیگر برای تو نیست. و امروز، روز آخر عمر توست و فرصتی دیگر در این دنیا نداری که برای آخرت خود، توشه ای تهیّه نمایی. پس تمام کوشش خود را برای تهیه زاد و توشه آخرت بکار گیر.

(و العلم عند الله)

گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ج ۲، ص: ۱۹۰

۱۹۷ برکت در سحر خیزی است

حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله فرمود:

هر گاه یکی از شما کاری داشته باشد، صبح زود به دنبال آن کار رود.

زیرا من از خدای خویش خواسته ام به کسانی از امّت من که اول وقت به سر کار خویش حاضر شوند، برکت دهد «۱».

---

(۱) حدیث ۳۵۷۴، ج ۳، ص ۱۵۷.

ابن بابویه، محمد بن علی - صفا خواه، محمد حسین، گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ۲جلد، فیض کاشانی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۶ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹